



فهرست

۳

طراح جلد: حامد زاهد

صفحه آرا: زهره پرهیزکاری

ناشر: مجتمع فرهنگی آموزشی

معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان

اوقاف و امور خیریه

نوبت چاپ: اول / پاییز ۱۳۹۵

@mfso94

سایت سازمان: [www.oghaf.ir](http://www.oghaf.ir)

سایت معاونت: [www.mfso.ir](http://www.mfso.ir)

سایت مجتمع: [www.mfpo.ir](http://www.mfpo.ir)

نویسنده: حسین ژولیده

ویراستار: مهدی صباغی

شمارگان: ۵۰۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

غیرقابل فروش / اهدایی

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو،

سازمان اوقاف و امور خیریه،

معاونت فرهنگی و اجتماعی

آدرس مجتمع: قم، بلوار ۱۵ خرداد،

جنب امامزاده شاه سیدعلی، مجتمع

فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگی و

اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

تلفن: ۰۲۵۳۸۱۸۷۱۶۹



سازمان اوقاف و امور خیریه  
معاونت فرهنگی و اجتماعی



کتابی برای تمام دوران	۱۴
جلای دل	۱۵
تا ابد معلم قرآن می‌شوید!	۱۶
سرور نیکوکاران	۱۷
زینت قرآن	۱۸
اینگونه خدا را بزرگ بشماریم!	۱۹
همگانی‌ترین استغفار	۲۰
سپر آتش	۲۱
بخوان و بالا برو!	۲۲
حرف آخر؛ بهترین وقف قرآنی	۲۳
پیشنهادهایی برای وقف قرآنی	۲۴
خاتمه: شرح و بیان وقف	۲۵



## فهرست:

مقدمه	۱
دیباچه	۲
آرامش تنهایی	۳
راهنمای هدایت	۴
داروی دلمردگی	۵
یک کار و این همه نتیجه!	۶
بهترین همنشین	۷
اهل خدا	۸
یک حرف تا خدا	۹
هم سخن خدا	۱۰
راه سعادت	۱۱
از داروخانه قرآن بازدید فرمایید!	۱۲
هم دیو بیرون شود وهم، فرشته درآید	۱۳





## ◆ مقدمه

قرآن کریم، کتاب هدایت و سعادت تمام بشر است که بایست بیش از پیش به آن توجه و تمسک نمود. از سویی تلاوت، آموزش، انس و تدبر در این کتاب بزرگ الهی، هرچه بیشتر و عمیق‌تر باشد، دسترسی به فلاح و رستگاری نیز آسان‌تر خواهد بود.

از سوی دیگر، از آن‌جا که کلام الهی، کتابی ماندگار و برای تمام دوران است، برای نشر معارف و انس با آن نیز بایست کاری ماندگار و همیشگی انجام داد و چه کاری بهتر از وقف.

وقف برای قرآن کریم، کاری ماندگار است که باعث می‌شود واقف خیراندیش تا قیامت در زمره خادمان کلام الهی قرار گیرد و تا ابد از اجر و پاداش مروجان فرهنگ قرآنی بهره‌مند شود.

برای این منظور، معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه، که خود را در عرصه قرآن و وقف موظف به خدمت می‌داند، با انتشار کتاب پیش رو بر آن است تا واقفان خیراندیش را به سوی وقف برای توسعه و ترویج معارف این مصحف شریف سوق دهد. امید است مورد استفاده خداجویان و مؤمنان خیراندیش قرار گیرد.

معاونت فرهنگی و اجتماعی



انسان مسافری در گذر است که باید در اندک زمانی که عمر نامیده می‌شود، از رهگذر خاک تا ملکوت اعلی را طی نموده، به وطن اصلی خویش بازگردد. در این مدت کم و محدود زیستن در دنیای خاکی نیز، بایست تا آن جا که می‌تواند، توشه‌ی سفر برداشته، کوله‌بار خیرات و مبرات خود را پُر کند. در مزرعه دنیا، اگر زیرک و باهوش باشد، می‌تواند بین کارهای نیک و اعمال صالح بهترین‌ها را انتخاب کند تا بیش‌ترین و برترین نتیجه‌ها را برداشت نماید.

بهترین کار را طیب دل‌ها، پیامبر رحمت ﷺ بیان کرده است:

«أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ أَدْوَمُهَا وَإِنْ قَلَّ»؛ بهترین اعمال نزد خدا، مداوم‌ترین آن است گرچه کم باشد. با این بیان، وقف یکی از بهترین کارهایی است که خداوند متعال آن را دوست دارد؛ زیرا وقف، عمل صالحی است که ماندگار و جاودانه است؛ عمل خیری که محدود به زمان نیست؛ حتی پس از مرگ انسان هم جاری است و باعث می‌شود پرونده‌ی اعمال صالح واقف، تا قیامت باز باشد و کوله‌بار خیراتش را روزه‌به‌روز سنگین‌تر کند.

وقف می‌تواند برای کارها و نیات مختلفی صورت پذیرد که با درایت و خردمندی می‌توان از میان گلستان نیات خیر و صالح، بهترین‌ها را انتخاب کرد.

میان تمام نیاتی که برای وقف می‌توان در نظر گرفت، وقف برای قرآن یکی از بهترین‌هاست؛ چراکه این کتاب هدایت بشر، بهترین کتاب‌ها و کلام‌ها بوده، که ارزش و جایگاه آن، همانند صاحبش، ارزشمند، بی‌نظیر، رفیع و بی‌بدیل است؛ از این رو، مجموعه پیش رو، بر آن است تا با بیان برخی از فضایل و آثار تلاوت، قرائت، حفظ و انس با قرآن کریم و وقف برای این کتاب آسمانی، مؤمنان خیراندیش و خداجو را به سمت و سوی این امر مهم و مقدس رهنمون سازد.

حسین ژولیده

اردیبهشت ماه ۱۳۹۵

انسان موجودی اجتماعی و نیازمند ارتباط با دیگران و داشتن مونس است که کنار او آرامش یابد؛ از این رو از تنهایی وحشت دارد و برای رهایی از آن به تشکیل خانواده، فرزند، تحکیم روابط خویشاوندی و برقراری رابطه دوستی پناه می‌برد. تنهایی آن قدر ملال‌آور است که حتی یکی از علت‌های ترس از مرگ نیز همین وحشتِ تنهایی و بی‌کسی است که در دعاها نیز به آن اشاره شده است.

خانواده و دوستان، همیشه کنار انسان نیستند تا بتواند با مجالست با آنان به آرامش برسد؛ به همین دلیل کسی که از تنهایی وحشت دارد، باید از این افراد پا را فراتر نهد و مونس و آرام‌بخشی کارتر پیدا کند.

راه پیدا نمودن آرام‌بخش جان را هم امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بیان کرده است:

«مَنْ تَسَلَى بِالْكَتُبِ لَمْ تَفْتَهُ سَلْوَهُ»؛ کسی که با کتاب‌ها خود را آرامش دهد، هیچ آرامشی را از دست ندهد.<sup>۱</sup>

آری! کتاب، داروی آرام‌بخشی است که می‌تواند خلأ وجود دیگران را پُر کند و جایگزین آرامش‌های دیگر بشود.

البته کتاب هرچه مهم‌تر، از لحاظ محتوا عمیق‌تر و در بیان الفاظ و مطالب بلیغ‌تر و رساتر باشد، آرام‌بخشی آن نیز به همان میزان بیش‌تر خواهد بود. با این بیان، بهترین و بالاترین کتاب، کتاب خداوند متعال است که ارزشش مافوق تصور است و با هیچ کتابی قابل مقایسه نیست؛ از این رو، هرکس با این کتاب آسمانی انس بگیرد بالاترین آرامش را به دست خواهد آورد. امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند:

«لَوْ مَاتَ مَنْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَمَا اسْتَوْحِشْتُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِيَ»

۱. غررالحکم و دررالکلم، ج ۸۱۲۶.





اگر همه مردم بین مشرق و مغرب هم‌بند و هیچ موجودی روی زمین زنده نماند و من تنها باشم، وقتی قرآن با من باشد، هرگز از تنهایی وحشت نمی‌کنم.<sup>۱</sup>

قرآن کریم مونس بی‌نظیری است که در همه شرایط و حتی در بحران‌ها و سختی‌های زندگی می‌تواند بهترین همدم انسان باشد و او را از تنهایی بیرون آورد.

البته تنهایی و وحشت آن، تنها مربوط به این دنیا نیست و در عالم برزخ پیش‌تر و وحشتناک‌تر است؛ چراکه خود قبر هر روز صدا می‌زند: «أَنَا يَبِيْتُ الْوَحْدَةَ فَاحْمِلُوا إِلَيَّ أَيُّسًا»؛ من خانه تنهایی‌ام؛ پس با خود انیس و مونس‌ی به سوی من آورید<sup>۲</sup> که بهترین انیس برای تنهایی قبر، تلاوت قرآن است؛ به همین دلیل انسان به این آرامش در آن‌جا بیش‌تر نیاز دارد؛ بنابراین کسی که می‌خواهد از بحران تنهایی و در نتیجه نداشتن آرامش در عالم برزخ به سلامت عبور کند، بایست با قرآن کریم بیش‌تر مأنوس شود. با این بیان هرچه ارتباط انسان با قرآن بیش‌تر باشد، آرام‌بخشی آن در قبر نیز بیش‌تر است. ارتباط با قرآن را نیز می‌توان با کیاست و زرنگی دائمی و همیشگی نمود. می‌توان کاری کرد که تا قیامت از قرآن و قرائت آن بهره برد. راه این کار وقف است.

می‌توان با وقف برای قرآن، زمینه تلاوت، قرائت و تدبر در این کتاب الهی را تا ابد برای بندگان خدا مهیا نمود و این‌گونه در اجر و پاداش همه آن‌ها شریک شد و تا روز جزا، در زمره قاریان و تلاوت‌کنندگان کلام الهی قرار گرفت.

با وقف برای قرآن می‌توان دوستی با قرآن را روزبه‌روز عمیق‌تر نمود تا آن‌جا که این دوستی و هم‌نشینی، تنهایی و ترس برزخ را به بهشتی تبدیل کند که در فکر و خیال هم نگنجد.

## ◆ راهنمای هدایت

شیطان برای از پا درآوردن انسان برنامه‌های مختلفی دارد؛ قسم خورده‌ای است که از چند جهت، روبه‌رو، پشت سر، سمت راست و سمت چپ به انسان حمله می‌کند.<sup>۱</sup> در هیچ حالی انسان را راحت نمی‌گذارد و همیشه به فکر ضربه زدن به اوست. آن خبیث، گرگی است که در لباس میش جلوه کرده، طرح دوستی ریخته، با فریب و نیرنگ به سراغ انسان می‌آید. زشتی‌ها را زیبا، تلخی‌ها را شیرین و مرداب‌ها را برکه و جهنم را بهشت نشان می‌دهد.

گاه با دور نشان دادن مرگ و قیامت و گاه با اسلحه حرص ورزیدن در جمع مال و ترساندن از فقر، او را نسبت به پرداخت حق و حقوق واجبش غافل می‌کند. گاه با شک و تردید به جان انسان می‌افتد و با وسوسه‌های مختلف او را نسبت به انجام واجبات و تکالیف دینی‌اش سست می‌کند. گاه با شیرین جلوه دادن شهوات و زیبا نشان دادن لجن‌زار هوس‌ها و گناهان، او را به سمت آلودگی فرامی‌خواند.

حال در این هجوم خطرناک، در محاصره‌ی ابلیس پلید و لشکریانش، باید راه فرار را پیدا نمود تا شیاطین به ما آسیبی نرسانند.

عبور از دامی که شیطان در اطراف انسان گسترده است به راهنمایی دانا نیاز دارد تا انسان را از مهلکه نجات دهد. راهنما را هم امیرمؤمنان علی (علیه السلام) معرفی کرده است: «مَنْ اتَّخَذَ قَوْلَ اللَّهِ دَلِيلًا هُدِيَ إِلَى اللَّهِ هِيَ أَقْوَمُ»؛ هرکس سخن خدا را راهنمای خود بگیرد، به استوارترین راه‌ها هدایت می‌شود.<sup>۲</sup>

آری! قرآن مجید، که برترین سخن است، راهنمایی بزرگ است که هرکس به



۱. ثُمَّ لَا تَنفَعُهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَ عَنْ شَمَائِلِهِمْ وَ لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ (سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۷):  
آن‌گاه از پیش رو و از پشت سرشان و از طرف راست و از طرف چپ‌شان بر آن‌ها می‌تازم و بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت.

۲. نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۴۷.

## ◆ داروی دل‌مردگی

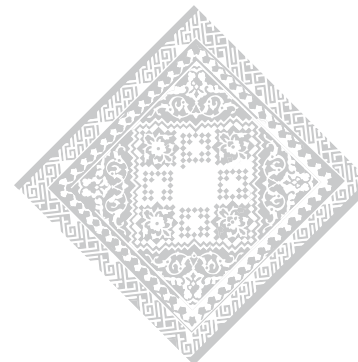
این دل‌مردگی هم بد دردی است. وقتی به جان کسی بیفتد روزگار خوش برایش نمی‌گذارد. هرچه هم خودش را به خوشی بزند باز هم فایده‌ای ندارد. دل اگر سرزنده و بانشاط نباشد زندگی اصلاً خوش نمی‌گذرد. این درد، نه پول می‌شناسد و نه ثروت، نه زیبایی و نه زشتی. حال خوش را از آدم می‌گیرد. آن وقت است که آدم هر مقدار دارایی و ثروت هم داشته باشد، نمی‌تواند خوشی را بچشد و بفهمد.

بد دردی است این مُرده‌دلی. سوغاتش یأس و ناامیدی است که سایه سنگینش را بر زندگی آدم دل‌مُرده می‌اندازد. جلوی چشمش پرده‌ای از تاریکی می‌افکند تا زیبایی‌های زندگی را نبیند و از آن لذت نبرد. او را دچار افسردگی نموده، صبر و تحمل را از او گرفته و وی را در مقابل ناملایمات زندگی آسیب‌پذیر می‌کند، تا جایی که ممکن است در مقابل کوچک‌ترین ناخوشی آرزوی مرگ کند یا دست به خودکشی بزند.

برخی که این درد را می‌فهمند و بیماری خود را تشخیص می‌دهند، برای فرار از آن به راه‌های زیادی پناه می‌برند. از مسافرت گرفته تا تعویض منزل یا وسایل آن، از مهمانی و جشن رفتن، تا دنبال مدهای لباس و... نسخه‌های مختلفی را آزمایش می‌کنند؛ اما چه سود! وقتی برای درمان یک درد، دارو و درمان مخصوص آن به کار برده نشود، شاید به صورت مقطعی درد را کاهش دهد، اما نه تنها سودی ندارد بلکه ممکن است باعث بدتر شدن حال و روز انسان شود.

برای درمان دل‌مردگی، ابتدا باید آن را ریشه‌یابی نمود. غفلت ریشه‌ی دل‌مردگی است. این بیماری حاصل زنده به گور کردن قلب زیر گرد و غبار غفلت و فراموشی است. وقتی کسی در زندگی‌اش به فکر هوا و هوس و خواسته‌های نفسانی‌اش باشد اما به دل و جان توجه نکند و خواسته‌های پاک او را برآورده نسازد، معلوم است که به مرگ قلبی مبتلا می‌شود. وقتی کسی مرتکب گناهی می‌شود، لایه‌ای از غبار روی آن می‌نشیند که راه تنفس در هوای خدا را از دل سلب می‌کند و اگر این لایه در زمان مناسب پاک نشود، نتیجه‌ای جز دل‌مردگی نخواهد داشت؛ از این رو باید دارویی مؤثر و قوی، برای از بین بردن این غبار و زنگار غفلت پیدا کرد. دارو را هم باید از بهترین طبیب و داروشناس جویا شد.

طبیب دوار، پیامبر رحمت و مهربانی صلی الله علیه و آله راه برطرف کردن زنگار قلب را بیان کرده است:



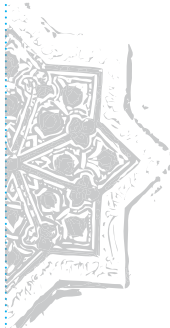
آن متمسک شود راه هدایت را خواهد یافت؛ از این رو بایست با آن مأنوس بود، در آیات آن تدبیر نمود و دستورات آن را سرلوحه‌ی خود قرار داد.

هرکس از این راهنما کمک گرفت و راه نجات را پیدا نمود، وظیفه دارد هم‌چون مجاهدی خستگی‌ناپذیر، برای آشنایی و انس دیگران با قرآن تلاش کند و از مال و وقت و جان خویش سرمایه بگذارد.

در این میان برخی مؤمنان دغدغه بیش‌تری نسبت به هدایت دیگران دارند، به فکر آیندگان نیز هستند و به نجات و هدایت آنان نیز می‌اندیشند تا مسیر سعادت را به راحتی پیدا کنند. برای همین به سراغ وقف برای قرآن می‌روند تا علم هدایت قرآنی برای همیشه در شهر و دیار آنان برافراشته باشد و مسیر هدایت را به جویندگان حقیقت نشان دهد.

وقف برای ترویج فرهنگ قرآن، در واقع نصب تابلوی هدایت در عرصه زمین است، آن هم با ماندگاری بسیار بالا که می‌تواند تا قیامت پا برجا مانده، راه را به ره‌جویان کوی دوست نشان دهد.





«إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ لَتَصَدَّ كَمَا يَصَدُّ الْحَدِيدُ وَإِنَّ جَلَاءَهَا قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ»؛ براستی این قلب‌ها زنگار می‌گیرد، همان طور که آهن زنگار می‌گیرد و جلای قلب‌ها قرائت قرآن است.<sup>۱</sup> حضرت فرمود:

«لَاتَعْفَلُ عَنِ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ فَإِنَّ الْقُرْآنَ يُحْيِي الْقَلْبَ وَ يَبْهِي عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ»؛ از خواندن قرآن غافل مشو؛ زیرا قرآن دل را زنده می‌کند و از فحشا و زشت کاری و ستم بازمی‌دارد.<sup>۲</sup>

آری! قرائت قرآن درمان دل‌مردگی است. انسان را از آلوده شدن به غفلت و گناه، که عامل اصلی دل‌مردگی است، می‌رهاند. زنگار گناه را از قلب پاک می‌کند تا نور خدا در آن جلوه‌گر شود. قرآن راه استشمام نسیم رحمت پروردگار را برای دل، باز نموده و این‌گونه زنده‌دلی و سرزندگی را برای او به ارمغان می‌آورد؛ از این رو هرکس می‌خواهد در زندگی دلی شاداب و قلبی سرشار از نشاط و امید به فضل خدا داشته باشد باید به سراغ قرآن برود و با قرائت این مصحف آسمانی دلش را جلا دهد.

البته برخی عاشقان خدا که نشاط و سرزندگی قرآنی را با جان و دل لمس کرده‌اند، با همتی بلند، پا را از خود و اطرافیان خود فراتر گذاشته‌اند و دوست دارند با دل‌مردگی به مبارزه برخیزند و ریشه این درد شوم را از جامعه مسلمین برچینند؛ برای همین دست به کاری ماندگار زده و با وقف برای قرآن، اقدامی عملی برای محو دل‌مردگی کرده و این‌گونه در تکاپوی هدیه دادن نشاط، امید و سرزندگی به هم‌هی مؤمنان هستند، حتی آن‌ها که هنوز پا به عرصه‌ی وجود نگذاشته‌اند.

## ◆ یک کار و این همه نتیجه!

قرآن‌آموزی، کاری بسیار بزرگ و ارزشمند است؛ هم پاداش عجیبی دارد و هم نتایج شگفت‌انگیزی. باید هم این‌گونه باشد؛ چراکه قرآن مجید، کلام خداوند متعال و برترین سخنان و کلمات است.

پاداش یادگیری این کتاب آسمانی، فراتر از زمین و آسمان است. هم در دنیای انسان تأثیر می‌گذارد و هم در آخرت او. یک مسلمان معتقد، دنبال هر چیزی که باشد، با قرآن بهترینش را می‌تواند به دست آورد.

قرآن‌آموزی، کاری بس عظیم و ثوابش نیز بسیار فراوان است؛ از این رو، برای اطلاع از آثار گسترده آن باید به سراغ شهر علم رفت و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آموخت که فرمود:

«إِنَّ أَرْضَكُمْ عَيْشَ السُّعَدَاءِ وَ مَوْتَ الشُّهَدَاءِ وَ النَّجَاةَ يَوْمَ الْحَسْرَةِ وَ الظَّلَّ يَوْمَ الْحَرُورِ وَ الْهُدَى يَوْمَ الضَّلَالَةِ فَادْرُسُوا الْقُرْآنَ؛ فَإِنَّهُ كَلِمَةُ الرَّحْمَنِ وَ حُرْبٌ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ رُجْحَانٌ فِي الْمِيزَانِ»؛ اگر خواستار زندگی سعادتمندان و مرگ شهیدان و نجات روز محشر و سایه در روز قیامت و هدایت در روز گمراهی هستید، پس قرآن بیاموزید؛ زیرا آن گفته‌ی خدای مهربان و ایمنی از شیطان و موجب برتری و وزنه‌ی خوبی‌های شما است.<sup>۱</sup>

هرکس خوش‌بختی و زندگی به همراه سعادت را آرزو دارد. البته در این بین، خیلی‌ها راه را اشتباه می‌روند و سراب را آب می‌بینند؛ اما کلاس قرآن‌آموزی، حقیقتاً کلاس خوش‌بختی و راه آموختن زندگی سعادتمدانه و یادگیری روش بهتر زندگی کردن است.

شهادت نیز آرزوی هر مؤمن بامعرفت است؛ چراکه شهادت مُهر ختام خوبی‌هاست؛ عاقبت به خیری و سود محض و خالص است؛ عزت و آبروی ابدی است؛ مقام و منزلتی است که به هرکس نمی‌دهند؛ اجر یک عمر بندگی خالصانه، مجاهدت و ایثار است. این مقام رفیع را می‌توان با کاری بزرگ همچون قرآن‌آموزی به دست آورد و مسیر رسیدن به دروازه شهادت را می‌توان با قرآن مجید پیدا کرد و به آن واصل شد. نجات از روز محشر یکی از دغدغه‌های بزرگ مؤمنان و خداترسان است؛ چراکه روز محشر، بزرگ‌ترین رویداد جهانی است که عملکرد همه، آن‌جا معلوم می‌شود. در آن روز وانفسا، که هرکس دنبال راه نجاتی می‌گردد، خلاص شدن از گرفتاری‌های آن، آرزویی همگانی است. در آن روز پرالتهاپ که کسی به فکر کسی نیست و حتی مادر فرزند شیرخوار خود را رها می‌کند، آنان که در پی یادگیری کلام الهی بوده‌اند، رستگارانند و راه نجات از محشر، پیش روی‌شان نهاده می‌شود.





۱. وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ؛ و کوه‌ها چون پشم حلاجی شده شوند. (سوره‌ی معارج، آیه‌ی ۹)
۲. يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاوَاتُ كَالْمُهْلِ؛ روزی که آسمان‌ها چون فلز گداخته شود. (سوره‌ی معارج، آیه‌ی ۸)



قیامت، روز سخت و طاقت فرسایی است؛ آن قدر وحشتناک است که کوه‌ها با تمام عظمت‌شان کم می‌آورند و همانند پشم‌های زده شده می‌گردند.<sup>۱</sup> آسمان آبی مانند فلز گداخته می‌شود.<sup>۲</sup> طاقت فرسا بودن گرمای روز قیامت، در فکر و خیال هیچ‌کس نمی‌گنجد. در آن صحرا، که همه‌ی انسان‌ها از ازل تا ابد، در پیشگاه الهی حاضر می‌شوند، هرکس دنبال سایه و سرپناهی می‌گردد؛ اما آنان که به قرآن و یادگیری آن اهمیت می‌داده‌اند در امان هستند و سایه‌ی قرآن بالای سر و محافظ آنان خواهد بود.

هدایت نیز اصلی‌ترین و مهم‌ترین، نیاز هر انسان است. به همین دلیل تنها سوره‌ای که واجب است در نماز خوانده شود سوره حمد است که پیام اصلی آن، طلب هدایت است. اکنون هرکس هدایت می‌خواهد، قرآن کلاس هدایت است؛ راه هدایت یادگیری، فهم و عمل به قرآن است که راست‌ترین کلام و استوارترین راه نجات را پیش روی بشر می‌گذارد.

ایمنی از شر دشمنان هم دغدغه هر موجودی است. بدترین دشمن انسان نیز شیطان رجیم است که قسم خورده، انسان را به گمراهی و هلاکت بکشانند. برای در امان ماندن از شر این خبیث باید به دژ و قلعه محکم و استوار قرآن پناه برد و با یادگیری معارف و مفاهیم قرآنی، خود را مجهز و بیمه نمود.

در میزان هم، همه دنبال کار خیری می‌گردند که بر وزن اعمال صالح‌شان بیفزایند. چشم امید به همه جا دارند تا کوله‌بار اعمال صالح خود را

سنگین‌تر کنند؛ اما چه سود؟! که آتش حسرت سنگین کردن وزنه‌ی خوبی‌ها بر دل خیلی‌ها می‌ماند. خوشا به حال قرآن‌جویان و قرآن‌پژوهان که با زمین زدن زانوی تعلّم در پیشگاه این کتاب مقدس، پیش‌دستی کرده و از قبل، اسباب سنگین‌تر شدن کارهای خود را فراهم آورده‌اند.

با این بیان، بایست بیش از پیش به یادگیری قرآن و معارف آن اهمیت داد و آن را یکی از برنامه‌های اصلی خود قرار دهیم؛ از این رو، هرکه دل در گرو این آثار و نتایج ارزشمند قرآن آموزی دارد، بشتابد و تا فرصت باقی است، به فراگیری قرآن بپردازد.

البته این همه آثار و فضایل برای کسی است که قرآن می‌آموزد؛ اما کسی که برای آموختن قرآن و ترویج معارف آن مالی را وقف می‌کند، چه اجر و پاداشی دارد؟! تنها خدا می‌داند؛ چراکه وقف برای تعلیم و ترویج معارف قرآنی، کاری ماندگار است که می‌تواند تا قیامت امتداد یابد. در این مسیر نیز، هرکس به واسطه وقف، قرآن بیاموزد، واقف خیراندیش، علاوه بر پاداش وقف و معلمی قرآن، در تمام آن پاداش‌ها شریک خواهد بود. اکنون تصور کنید سالانه چندین و چند نفر به واسطه‌ی ملکی که واقف وقف کرده است، با قرآن آشنا شوند و بتوانند قرآن را به درستی بخوانند، از معارف و علوم قرآنی بهره‌برند و آن را در زندگی خود به کار گیرند و هر یک، این آموزه‌ها را به دیگری منتقل کنند؛ چه اجر و پاداشی نصیب آن واقف بلند نظر می‌گردد! تنها خدا می‌داند.



## ◆ بهترین هم‌نشین

سخن بسیار زیبایی گفته‌اند که هم‌نشین از هم‌نشین رنگ می‌گیرد؛ چراکه انسان خواه‌ناخواه از دیگران تأثیر می‌گیرد و بخش مهمی از افکار و صفات اخلاقی خود را از طریق هم‌نشینی و انس پیدا کردن، به دست می‌آورد. دوستی و هم‌نشینی یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری شخصیت افراد است. نقش این عامل در زندگی انسان آن‌چنان پررنگ و مهم است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «**الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدَكُمْ مَن يُخَالِلُ**»؛ انسان بر دین و روش هم‌نشین خود است، پس باید ببیند با چه کسی دوست می‌شود.<sup>۱</sup>

از این رو انسان عاقل باید در انتخاب دوست دقت کند که بهترین همدم را برای خود برگزیند و با بهترین‌ها هم‌نشین و مانوس شود؛ اما این که بهترین هم‌نشین کدام است، بهتر است پاسخ را از امیرمؤمنان علی علیه السلام بشنویم که فرمود:

«**مَا جَلَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدٌ إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نُقْصَانٍ؛ زِيَادَةٌ فِي هُدًى وَ نُقْصَانٍ مِّنْ عَمَى**»؛ هیچ‌کس با این قرآن هم‌نشین نشد، مگر آن که چون از نزد آن برخاست با فزونی و کاستی همراه بود؛ فزونی در هدایت و کاستی از کوردلی.<sup>۲</sup>

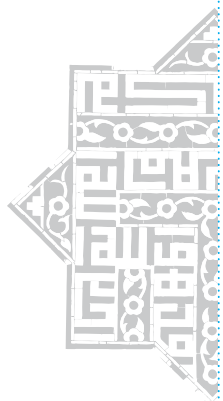
قرآن هم‌نشینی است که هم دست مونس خود را گرفته، تا ساحل آرامش کشانده، هدایتش می‌کند و هم او را از بیماری‌ها و زشتی‌ها، رها ساخته، نقص‌ها و خلأهای وجودی‌اش را با نور خود پُر می‌کند. هم‌نشینی با قرآن هرچه بیش‌تر و عمیق‌تر باشد، طبعاً بهره‌ی بیش‌تری از

آن برده می‌شود؛ از این رو باید کوشید این هم‌نشینی تداوم یابد تا همیشه از نور هدایت قرآن استفاده و بهره برده شود. مؤمن نیز که زرنگ و باهوش است، فرصت هم‌نشینی با قرآن را غنیمت می‌شمارد و به این دوستی، رنگ جاودانه بخشیده، آن را ماندگار و ابدی می‌کند. برای این کار نیز راه‌های مختلفی ممکن است به ذهن خطور کند که در این بین «وقف» یکی از بهترین راهکارهاست.

با وقف برای ترویج فرهنگ قرآن، تلاوت، تفسیر یا قرائت این کتاب آسمانی، می‌توان ارادت و دوستی خود را با آن همیشگی و دائمی نمود؛ زیرا وقف قالبی است که برای ماندگاری طراحی شده و هر عمل خیری که در این قالب درآید ماندگار می‌گردد.

آنچه به اعمال و رفتار انسان ارزش می‌بخشد انگیزه و نیت صالح است که آن را می‌توان با وقف ماندگار نمود، هرچند واقف از دنیا رخت بر بسته باشد؛ لذا کسی که عاشقانه برای اثبات وفا و دوستی خود با قرآن وقف می‌کند، این انگیزه زیبای او، هم‌نشینی ابدی با قرآن را برای او رقم زده و تا قیامت، او را مونس و همدم قرآن قرار داده و این چنین، روزبه‌روز، هم از هدایت قرآن استفاده می‌کند و هم از خاصیت عیب‌زدایی قرآن بهره می‌برد. قرآن کریم بهترین هم‌نشین و از هر کس باوفاتر است، همنشین خود را حتی پس از مرگ نیز رها نمی‌کند و او را تا بهشت برین رهنمون خواهد ساخت.

۱. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۹۲، ح ۱۲.  
۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۴.



## ◆ اهلِ خدا

در این دنیای خاکی هرکس دلش را به چیزی، کسی، اسمی و عنوانی خوش کرده و به آن می‌بالد، غافل از این‌که این اسم و عنوان‌ها اولاً گذرا و فانی هستند؛ چه بسا عامل گرفتاری شده، ددرسه‌های فراوانی برای صاحبانشان به بار آورند؛ هم‌چنین ممکن است در لحظات حساس و در بحبوحه خطر پشتش را خالی کرده، تنه‌ایش گذارند.

البته انسان باید به جایی بند باشد، باید به کسی تکیه داده، به آن دلش را قرص و محکم کند تا در لحظات حساس دلش نلرزد؛ اما منتسب بودن به چه کسی برای انسان مفید است تا او را در همه حال یاری نموده، تنه‌ایش نگذارد و همیشه او را یاد کند؟

وقتی به اطراف خود نگاهی می‌اندازیم، متوجه می‌شویم همه چیز فانی و گذرا است و ارزش دل‌بستگی ندارند. تنها موجودی که همیشه باقی است و انتساب به او باعث باقی ماندن انسان می‌گردد خدای مهربان است که منسوب به او شدن عزت دنیا و آخرت را برای انسان به ارمغان می‌آورد و خوشا به حال آنان که اهل خدا می‌شوند و تمام دل‌خوشی‌شان خداوند کریم است.

چگونه می‌توان خود را به خداوند منتسب کرد و اهل او شد؟

پاسخ را از پیامبر رحمت ﷺ بشنویم که فرمود:

«أَهْلُ الْقُرْآنِ أَهْلُ اللَّهِ وَخَاصَّتُهُ»؛ اهل قرآن، اهل خدا و خاصان بارگاه اویند.<sup>۱</sup>

آری! کسی که می‌خواهد به خدا منتسب شده، اهل خدا گردد، راهش کلام خداست، باید از کلام خدا شروع کند. با قرآن کریم مأنوس و همدم شده، در آیات آن تأمل و تدبر کند. دستورات قرآن را سرلوحه زندگی خود قرار دهد

و عمل به کلام الهی را بزرگ‌ترین افتخار خود بدانند.

کسی هم که افتخار اهل خدا شدن را پیدا و طعم شیرین بندگی را احساس می‌کند، پا را از خودش فراتر نهاده و به فکر چشاندن آن طعم دل‌نشین به ذائقه‌ی دیگران می‌افتد. از هر راهی تلاش می‌کند تا دیگران را با قرآن آشنا و مأنوس و آنان را هم اهل خدا کند. خود را خادم قرآن می‌داند و اصلاً دستگیری از دیگران را وظیفه دینی و شرعی خود می‌داند؛ چراکه اسلام امر به معروف را بر او واجب نموده است. هدایت و ارشاد دیگران به سوی قرآن، بهترین و واجب‌ترین امر به معروف‌ها است.

اما برخی دلدادگان حضرت حق، با زیرکی به این نکته توجه می‌کنند که قرآن کتابی جاودانه است که باید تا قیامت حکم‌فرما باشد و مردم را به سوی کمال و انسانیت هدایت کند. از این‌رو به فکر خدمتی ماندگار و جاودانه به ساحت مقدس قرآن می‌افتند. لباس خادمی ابدی را بر تن نموده، راهی را انتخاب می‌کنند تا بتوانند برای همیشه مُبَلِّغِ قرآن باشند. یکی از راه‌های این کار هم «وقف» است.

با وقف برای ترویج فرهنگ قرآن، آموزش و تعلیم قرآن و... می‌توان تا ابد خادم و معلم قرآن شد. وقف قرآنی، هم راهی برای اهل خدا شدن است و هم وسیله‌ای است برای اهل خدا نمودن دیگران. کاری مقدس است که می‌تواند تا ابد شیفتگان حضرت دوست را مجذوب خود کند و راهی از زمین تا آسمان فرآوری خلاق بگشاید تا بتوانند به افتخار اهل خدا شدن نائل آیند.

وقف برای قرآن، انسان را اهل قرآن نموده، باعث می‌شود در قبر و برزخ، هنگام سؤال و جواب از خدا و قرآن و در قیامت، هنگام محاسبه اعمال، به وی به چشم اهل خدا نگریسته شود و در نتیجه از جایگاهی رفیع و بلند مرتبه، که مخصوص خاصان درگاه خداوند است، بهره‌مند گردد.



## ◆ یک حرف تا خدا

دنیا مسافرخانه و آدمی مسافر غریبی است که باید به سوی اصل و ریشه‌اش یعنی خداوند متعال برگردد؛ اما در مسیر رسیدن به سوی حق، گاه گناهان مانع حرکت می‌شوند و گاه قرار گرفتن در مسیرهای صعب‌العبور توان رفتن را از انسان می‌گیرد.

البته خداوند مهربان با تمام بی‌نیازی‌اش، بیش از هرکس، منتظر بازگشت بندگانش بوده و برای همین، اسباب و وسایل فراوانی را برای تسریع و سهولت حرکت آنان، سر راهشان قرار داده است. یکی از آن وسایل، آموختن قرآن کریم است که هم سبب‌ساز است و هم سبب‌سوز؛ هم سبب حرکت می‌شود و هم عوامل توقف را از بین می‌برد؛ هم عامل شوق، حرکت و امید است و هم وسیله‌ای است برای پاک کردن گناهان، که همچون غل و زنجیر به پای طالب حق می‌پیچد و او را از حرکت باز می‌دارد.

آموختن قرآن کریم وسیله‌ای است که با تمسک به آن مسیر حرکت به سوی خداوند برای همگان آسان و میسور می‌شود. قرآن‌آموزی آن‌قدر ارزشمند است که امام صادق علیه السلام فرمود:

«مَنْ تَعَلَّمَ مِنْهُ حَرْفًا ظَاهِرًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ مَخَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ قَالَ لَا أَقُولُ بِكَلِّ آيَةٍ وَ لَكِنْ بِكَلِّ حَرْفٍ بَاءٍ أَوْ تَاءٍ أَوْ شَيْهَمَا!»<sup>۱</sup> اگر کسی از قرآن يك حرف بیاموزد، خداوند برای او ده حسنه می‌نویسد و ده گناه از او می‌بخشد و ده درجه او را بالا می‌برد، فرمود: نمی‌گویم در مقابل هر آیه، بلکه در مقابل هر حرفی مانند «باء» یا «تاء» یا همانند آن‌ها.

آری! خداوند متعال، آموختن کلامش را آن‌قدر دوست دارد که حتی در



مقابل یادگیری یک حرف از آن، چنین پاداشی می‌دهد. از سویی ده حسنه توشه‌ی راهش می‌کند که تا بهشت رهنمونش باشد. از سوی دیگر، ده گناه او را می‌بخشد تا با قلب و روحی سالم و پایی آزادشده از زنجیر گناه، مسیر بهشت را طی کند. به این میزان هم کفایت نمی‌کند، کاری می‌کند که قرآن‌آموز، کلاس معرفت را جهشی طی کند.

برای همین او را در راه تقرب به خویش، بدون زحمت و مشقت ده رتبه بالا می‌برد.

این همه آثار و پاداش در یادگیری قرآن کریم عجیب نیست؛ چراکه کلام حق است. بالاترین و برترین کلام است؛ هدایت‌گر بشریت است که هرکس به آن چنگ زند گمراه نخواهد شد.

پس هرکه می‌خواهد مسیر رسیدن به قرب الهی را به سلامت طی کند، بیاید و با آموختن قرآن مجید راه را بر خود هموار کند و قرآن‌آموزی را یکی از برنامه‌های اصلی خویش قرار دهد.

البته در این مسیر سعادت و خوش‌بختی، باید پا را از خود فراتر نهاد. بایست دغدغه دیگران را هم داشت و آنان را نیز به سوی فلاح و رستگاری کشاند. وقتی فراگرفتن این کتاب آسمانی، چنین نقش موثری در سعادت و کمال افراد دارد، باید برای آشنا کردن جامعه با این کلام الهی، نهضت قرآن‌آموزی ایجاد نمود؛ از این‌رو، هرکس دل درگرو قرآن کریم دارد، بیاید و با برنامه‌ریزی مناسب، به اندازه وسع خویش با شیوه‌های مختلف از نزدیکان، دوستان و اطرافیان خود شروع کند و این‌گونه، هم‌کیشان خود را به سوی آموختن کلام الهی سوق دهد. به یقین، هرکس لذت انس با قرآن را درک کند، برای توسعه فرهنگ یادگیری قرآن مجید، اقدامی عملی نماید و طبعاً چتر نهضت قرآن‌آموزی، بر سر امت اسلامی سایه می‌افکند و قرآن راه نجات را پیش روی آنان قرار خواهد داد.

البته برخی از مؤمنان و عاشقان قرآن مجید، که دل در گرو این کتاب آسمانی داشته و خود با تمسک به آن راه هدایت را یافته‌اند، با اندیشه‌های بلند، دست به کاری می‌زنند تا راه آموختن قرآن برای همیشه پیش روی مسلمانان باز باشد. اینان با وقف برای قرآن، به تأسیس مدرسه و مکتبی ابدی برای یادگیری این مصحف شریف اقدام می‌کنند. واقفان عرصه قرآنی، این پیش‌قراولان عرصه نهضت قرآن‌آموزی، با عمل شایسته و ماندگار خود، نام خویش را در زمره معلمان قرآن ثبت و این افتخار را برای خویش همیشگی می‌کنند.

وقف برای قرآن، اجر و پاداش بی‌شماری دارد؛ چراکه هرکس به واسطه وقف او، حرفی از قرآن بیاموزد، ده حسنه به او عطا، ده گناه از او زدوده و ده درجه بالا برده می‌شود و در تمام این آثار واقف خیراندیش شریک خواهد بود. اکنون تصور کنید افراد بی‌شماری تا قیامت بیایند و از طریق عمل خیر او، کل قرآن را آموخته، با معارف و فرهنگ آن آشنا شوند، چه اجر و پاداشی نصیب واقف می‌شود، تنها خدا می‌داند.

## ◆ هم سخن خدا

آدمیزاد به صحبت کردن و هم‌نشینی با دیگران هم علاقه دارد و هم نیاز. این علاقه و نیاز به هم‌سخنی با دیگران نیز در زمان پیشامدهای ناگوار و گرفتاری‌ها، خودش را بیش‌تر نشان می‌دهد و برای همین، تا شخصی دچار سختی و مشکلی می‌شود، سراغ کسی می‌رود که با او درددل نموده، خود را سبک کند؛ چراکه درددل کردن و سخن گفتن، گاهی آن‌چنان آرامش و تسلاهی به انسان می‌دهد که هیچ داروی آرام‌بخشی نمی‌تواند انسان را این‌چنین آرام کند.

البته و صد البته، اگر انسان بداند کسی را که مخاطب حرف‌هایش قرار داده، می‌تواند او را درک کند، برایش کاری انجام دهد و گرهی از مشکلاتش باز کند، هم ذوق و شوق سخن‌گفتنش بیش‌تر می‌شود و هم آرامش و امیدش؛ برای همین باید به سراغ بهترین هم‌سخن رفت. بهترین هم‌سخن خداوند مهربان است که هم، درد بنده‌اش را می‌داند و هم درمانش را؛ هم دوستش دارد و هم راه صلاح و نجات را پیش روی او می‌گذارد؛ هم ستار است و راز انسان را فاش نمی‌کند و هم، غفار است و از سر تقصیر و گناهان او می‌گذرد. نه تنها از سخنان و درددهای بندگانش خسته نمی‌شود، بلکه لذت برده، خود عاشقانه به انتظار آنان می‌نشیند؛ هم‌چنین گناهان و بدی‌های انسان را به رخ نمی‌کشد و خیلی صمیمی به حرف‌های بنده‌اش گوش می‌کند.

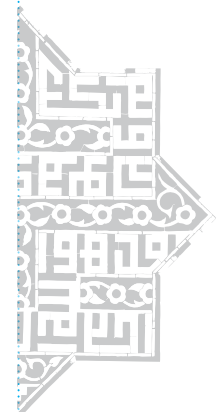
حال که اینگونه است باید به سراغ آن یگانه محبوب مهربان رفت و او را به هم‌کلامی خود انتخاب نمود؛ اما چگونه می‌توان با خدا سخن گفت؟ پاسخ را پیامبر رحمت ﷺ بیان کرده است: «إِذَا أَحَبَّ أَحَدَكُمْ أَنْ يُحَدِّثَ رَبَّهُ فَلْيَقْرَأِ الْقُرْآنَ»؛ هرگاه یکی از شما دوست بدارد با پروردگارش سخن بگوید، قرآن بخواند.<sup>۱</sup>

هم‌نشینی با کلام‌الله مجید و قرائت آن، هم به انسان آرامش می‌دهد و هم، بهترین مشاوره‌ها و راهنمایی‌ها را بی‌هیچ مزد و منتی در اختیار او قرار داده، راه سعادت و

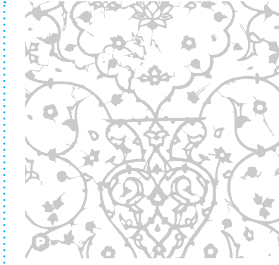


خوش‌بختی را پیش روی وی می‌گذارد؛ چراکه برترین کتاب و کلام خالق هستی و خدای دانا و مهربان است. سخن گفتن و ارتباط کلامی، یکی از راه‌های برقراری ارتباط دوستانه و صمیمی است. اکنون که راه سخن گفتن با خداوند مهربان را آموختیم، هرکه می‌خواهد ارتباطش را با آن ذات مقدس بیش‌تر کند، بسم‌الله! راهش قرآن مجید است. خداوند متعال، راه دوستی با خودش را هم محدود نکرده است؛ از این‌رو هرکه به هر میزان که بخواهد، می‌تواند با قرائت قرآن کریم، رابطه دوستانه‌اش را با پروردگار عالم مستحکم‌تر کند.

البته برخی که لذت وصف نشدنی هم‌کلامی با پروردگار را می‌چشند، از سویی دل‌شان نمی‌خواهد آن را از دست دهند و از سوی دیگر، دوست دارند دیگران نیز این لذت معنوی را احساس کنند. برای همین دست به کاری می‌زنند که هم خودشان تا ابد افتخار هم‌صحبتی با خدا را داشته باشند و هم، حلقه‌ی اتصال دیگران با پروردگار عالم شوند. آنان راه وقف را انتخاب می‌کنند که راهی ماندگار و جاودانه است. از سویی، با وقفی قرآنی، هم‌کلامی با خدای خویش را در کالبد و جسم دیگران ادامه می‌دهند و از سوی دیگر، شیرینی این لذت را به کام دیگران نیز ریخته، آنان را با قرآن کریم مأنوس می‌نمایند.



## ◆ راه سعادت



همه‌ی انسان‌ها دنبال سعادت هستند. در مسیر زندگی نیز راه‌های مختلفی فراروی انسان قرار دارد که نوید خوش‌بختی می‌دهند؛ اما راه رسیدن به خوش‌بختی چیست؟ بین مسیرهای پیش رو، کدام راه و کدام بیراهه است؟ بهتر است پاسخ را از امام رئوف و مهربان، امام رضا (علیه السلام) بشنویم که فرمود: «**لَا تَطْلُبُوا الْهُدَىٰ فِي غَيْرِ الْقُرْآنِ فَتَضَلُّوا**»؛ هدایت را جز از قرآن مجوید که گمراه خواهید شد.<sup>۱</sup>

قرآن، راه فرار از کویر گناه و غفلت است؛ پناهگاهی است که انسان را از شر شیطان و حيله‌هایش محافظت می‌کند. هرکه می‌خواهد خود و عزیزانش را از منجلاب دنیا نجات دهد باید به قرآن پناه ببرد. سودمندترین گفتار و شفای سینه‌هاست.<sup>۲</sup> قرآن، راهی است که رهرو را به گمراهی نمی‌کشانند. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «**أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمَ مَا يَأْتِي وَ الْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي وَ دَوَاءَ دَائِكُمْ وَ نَظْمَ مَا بَيْنَكُمْ**»؛ بدانید! قرآن شامل علم آینده و گذشته است، درمان درد شما و راه سامان دادن امور شما در آن هست.<sup>۳</sup> «**وَ فِيهِ رَبِيعُ الْقَلْبِ، وَ يَنَابِيعُ الْعِلْمِ، وَ مَا لِلْقَلْبِ جِلَاءٌ غَيْرُهُ**»؛ بهار دل‌ها و چشمه‌های دانش در قرآن است و برای قلب و فکر جلایی جز قرآن نتوان یافت.<sup>۴</sup>

خواندن این کتاب تأثیر عجیبی دارد. آن قدر ارزشمند است که باعث می‌شود خانه‌ها در زمین همچون ستاره‌ها درخشان شوند. پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) فرمود: «با تلاوت قرآن، خانه‌های تان را روشن کنید؛ زیرا هرگاه در خانه‌ای قرآن زیاد تلاوت شود، آن خانه برای اهل آسمان می‌درخشد؛ همان گونه که ستارگان آسمان برای اهل زمین می‌درخشند.»<sup>۱</sup>



۱. توحید صدوق، ص ۲۲۳.
۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰.
۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸.
۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

قرآن که خود بهترین کلام و گفتار است هرکه با او ارتباط داشته باشد بهترین می‌شود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «**خَيْرِكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَ عَلَّمَهُ**»؛ بهترین شما کسی است که قرآن را یاد گیرد و آن را یاد دهد.<sup>۲</sup>

پس باید برای ترویج این راه و فرهنگ نجات‌بخش تا آن جا که می‌شود از جان و مال خود، بذل نمود و خدمت کرد. باید قرآن را یاد گرفت، فهمید و به دیگران نیز یاد داد.

قرآن کتاب جاودانه است و منحصر به یک زمان نیست، بلکه برای تمام دوران‌ها و انسان‌هاست؛ پس باید برای خدمت به قرآن، قرآنی عمل نمود، باید کاری جاودانه و ماندگار کرد، باید افق دید را تا ابد توسعه داد؛ اما چگونه ممکن است کسی بتواند تا ابد خادم قرآن شود و در راه ترویج آن تلاش کند؟ پاسخش وقف است.

کسانی که به سبب بخشش ماندگار واقف، قاری قرآن، حافظ کلام وحی یا معلم قرآن شوند، همه و همه از خاصان و مقربان درگاه خدایند که با واسطه واقف به این مقام رسیده‌اند و از این رو چه بهره‌هایی که واقف خواهد بُرد که فکرش را هم نمی‌کرد. وقف برای قرآن، در واقع احداث کارخانه تولید خادمین قرآنی است که محصولش تعداد بی‌شماری قاری، حافظ، مفسر قرآن و... است.

و در یک کلام، وقف برای قرآن نشانه‌ی عاشقی است؛ مگر نه این که شیرین‌ترین و دلرباترین کلام برای عاشق، گفتار معشوق است.



۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۰.
۲. مستدرک الوسائل ج ۴، ص ۲۳۵.

## ◆ از داروخانه قرآن بازدید کنید!

درد و بیماری همیشه دل درد و سردرد نیست. گاه درد، یک بیماری اخلاقی است. بیماری‌های روحی و دردهای اخلاقی به مراتب بدتر و خطرناک‌تر است. بیماری‌های جسمی، هر قدر خطرناک و کشنده باشند، دنیای انسان را به خطر می‌اندازند و کاری به آخرت او ندارند و چه بسا بیماری و درد کشیدن در دنیا باعث عُلوّ درجه و راحتی در آخرت شود؛ اما بیماری‌های اخلاقی و روحی، هم به دنیای انسان آسیب می‌رساند و هم به آخرت او. گاه آتش يك درد اخلاقی، از فرد فراتر رفته، يك خانواده، محله، شهر و کشور را به نابودی می‌کشاند؛ از این رو باید برای معالجه این امراض نیز دارویی پیدا نمود تا قبل از حاد شدن، آن را درمان کرد. نشانی درمانگاه تخصصی درمان این گونه دردها را، طبیب نفوس پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیان کرده است. «عَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ الشِّفَاءُ النَّافِعُ، وَ الدَّوَاءُ الْمُبَارَكُ وَ عِصْمَةٌ لِمَنْ تَمَسَّكَ بِهِ، وَ نَجَاةٌ لِمَنْ تَبِعَهُ»؛ بر شما باد به قرآن! چون قرآن، شفای سودمند و داروی پربرکت است و نگهبان کسی است که به آن چنگ می‌زند و نجات‌بخش کسی است که از آن پیروی کند!<sup>۱</sup>

اکنون هر که می‌خواهد روح خود را از بیماری‌ها پاک یا آن را در مقابل گناهان تقویت و واکسینه کند، بشتابد به سوی داروخانه قرآن کریم و با این دارو انس بگیرد. هر که می‌خواهد آثار و نشانه‌های بیماری گناهان را از خود بزاید، به قرآن تمسک جوید. هر که می‌خواهد از هجوم ویروس کشنده‌ی گناهان در امان بماند، دست به دامان قرآن شود. همان‌گونه که برای استفاده از داروهای مادی برنامه‌ریزی می‌کند و وقت معینی را برای استفاده از آن اختصاص می‌دهد، برای بهره بردن از شفاخانه‌ی قرآن نیز



بایست چنین کند. همان‌گونه که برای داروهای مادی هزینه می‌کند، برای استفاده از این داروخانه معنوی نیز بایست هزینه کند. البته مؤمن بخیل نیست، آنچه را برای خود می‌پسندد برای دیگران نیز می‌پسندد. وقتی خودش از طریق قرآن درمانی، مداوا می‌شود و طعم شیرین سلامتی روحی را درک می‌کند، دیگران را نیز به سوی این درمانگاه، راهنمایی و هدایت می‌کند. از وقت و مال خود هم هزینه می‌کند تا دیگران را نیز با قرآن مأنوس و به وسیله‌ی آن سلامت روح‌شان را تضمین کند. در این بین، برخی از مؤمنان دریادل، وقتی می‌خواهند برای دیگران نیز کاری کنند، از حصار محدودیت زمان فراتر می‌روند و حتی برای آیندگان نیز چاره‌ای اندیشیده، گامی مهم و اساسی برمی‌دارند تا آنان را نیز با قرآن آشنا و مأنوس کنند. حتما می‌پرسید: چگونه؟ پاسخش وقف است. با وقف برای ترویج فرهنگ قرآن، داروخانه‌ای معنوی به وسعت زمان ایجاد می‌کنند و با قرآن‌درمانی، رایحه‌ی دل‌انگیز سلامتی را برای آیندگان نیز به ارمغان آورده، خود نیز به افتخار خادمی داروخانه قرآن درمی‌آیند.

۱. جامع الاخبار، ج ۱، ص ۳۳۲.



## ◆ هم دیو بیرون شود و هم، فرشته در آید



شیطان پلید و خبیث به هر جا وارد شود، آن جا را نیز آلوده می‌کند. پایش که به هر خانه‌ای باز شود، آن جا را کثیف و متعفن می‌کند. در هر منزلی که اتراق کند، بیکار نمی‌نشیند. مشغول یارگیری می‌شود تا در جهنم تنها نباشد. با هزار دوز و کلک، طرح دوستی ریخته، در پی فریب اهل خانه برمی‌آید و اگر خدا به دادشان نرسد بیچاره می‌شوند. دلش می‌خواهد تمام ساکنان خانه را به گناه بکشاند. شیطان رجیم، موجود پست و تاریکی است که هم‌خانه‌ی هر کس شود، نحسی و تاریکی‌اش هم‌نشینانش را هم فراگرفته، باعث کوردلی آنان خواهد شد. قرین هر کس شود، یاد و ذکر خدا را فراموش می‌کند، از خوبی‌ها و اعمال صالح جدا شده، در لجن‌زار گناه، معصیت و طغیان فرو خواهد رفت.

ابلیس ملعون، به هر سرایی که پا بگذارد، مانع استشمام شمیم بهشت الهی می‌شود. آلودگی‌اش باعث می‌شود فرشتگان الهی به آن خانه وارد نشوند و در نتیجه جولانگاه عفريت‌ها شود. خانه‌ای هم که این چنین شود، دیگر ساکنانش روی خوش‌بختی و سعادت، آرامش و برکت و نور و بصیرت را به خود نخواهند دید.

پس باید دست پیش گرفت و مانع ورود این دیو، به خانه و کاشانه خود شد. باید دست به کاری زد تا آن ملعون به منزل و مأوای ما، نزدیک هم نشود. باید حصار محکم دور خود و خانواده‌ی خود کشید و راه آن ملعون را سد کرد. راه این کار را نیز دروازه‌ی شهر علم امام علی (علیه السلام) بیان کرده است:

«الْبَيْتُ الَّذِي يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَ يُذَكَّرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِ تَكْتُرُ بَرَكَتُهُ وَ تَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ تَهْجُرُهُ الشَّيَاطِينُ»؛ خانه‌ای که در آن قرآن خوانده شود و خدا را به یاد آرند، برکتش فزونی یابد و فرشتگان به آن خانه درآیند و شیاطین از آن دوری جویند.<sup>۱</sup>

قرآن مجید بالاترین ذکر است؛ نوری است که بر هر جا بتابد ظلمت و تاریکی را از بین



می‌برد و شیطان روسیاه نیز که از نور فراری است دیگر پا به آن جا نخواهد گذاشت. در مقابل، ملائکه خدا، که صدای قرآن را دوست دارند و به ذکر و یاد خدا عشق می‌ورزند، آن منزل را مسکن و مأوای خود نموده، به آن وارد می‌شوند. خانه‌ای که رنگ و بوی قرآن بگیرد، برکتش هم بسیار می‌شود و کم آن خانه هم، زیاد است. چه بسیار خانه‌های محقر و کوچکی که با یاد خدا و ذکر قرآن، چنان صفا، آرامش، معنویت و آسایشی گرفته‌اند که کاخ‌های مجلل چنین چیزی را به خود ندیده‌اند.

حال هر که می‌خواهد برکت محل کار یا خانه‌اش فزونی یابد، ملائکه خدا منزلش را قابل بدانند و به آن جا نازل شوند و شیطان رجیم نیز جرئت نزدیک شدن به مسکن و مأوایش را نداشته باشد، راهش قرآن است. هر که می‌خواهد خود و خانواده‌اش از وسوسه‌های شیطان در امان باشد، به حصار محکم قرآن مجید پناه برد و تلاوت این کتاب آسمانی را، که نقطه‌ی شروع تمسک به قرآن است، برنامه‌ی روزانه‌ی خود نماید. هر چه بیشتر قرآن خوانده شود و فرهنگ قرآن در خانه بیشتر حاکمیت و استمرار داشته باشد، این برکات نیز بیشتر خواهد بود.

البته بین مؤمنان، در یادلانی هستند که این آثار شگرف قرائت قرآن را برای همه می‌خواهند. از طرفی دوست دارند برکت خانه‌های مسلمین زیاد و محل رفت و آمد فرشتگان شود. از طرفی، نگران ورود شیطان و از بین رفتن نورانیت منزل هم‌کیشان خود هستند؛ به همین دلیل دست به کاری می‌زنند تا فرهنگ انس با قرآن و تلاوت این کتاب آسمانی، فراگیر و ماندگار شود. ای عاشقان کلام الهی! با وقف برای قرآن، گامی مهم برای نهادینه شدن فرهنگ قرآن برداشته، مشعلی برای مأنوس شدن دیگران با این مصحف روشن کنید. با وقف برای قرآن، مکتب و مدرسه‌ای قرآنی به وسعت تاریخ بنا می‌نهدید که تا ابد، کانون گرم خداجویان و خدایاوران شود.





## ◆ کتابی برای تمام دوران‌ها

قرآن کریم، این جاودانه‌ترین کتاب تاریخ، معجزه‌ی آخرین پیامبر الهی و سند حقانیت اسلام است. مقام و منزلت این کتاب آسمانی چنان رفیع و بلند است که اگر تمام کتاب‌های عالم، از ازل و ابد روی هم جمع شود، حتی با تنها برگی از آن قابل مقایسه نخواهد بود و باز هم رجحان و برتری قرآن مجید چون خورشید درخشان، نمایان و آشکار است؛ کتابی است که خستگی و تکرار در خواندن آن معنا ندارد. هر بار خوانده شود چیز تازه‌ای یاد می‌دهد؛ اقیانوس عمیقی است که هرچه دُر و گوهر معرفت از آن برداشت شود تمامی ندارد. قدر و منزلت قرآن مجید را قرآن ناطق، امیرمؤمنان امام علی (علیه السلام) می‌داند که در بیان آن فرمود: «إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أَمِينٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ»؛ به‌درستی که ظاهر قرآن شگفت‌انگیز و زیبا و باطنش ژرف و عمیق است.<sup>۱</sup>

این تازگی و طراوتش هم، رمز و رازی دارد که امام صادق (علیه السلام) آن را بیان کرده است.

مردی از امام صادق (علیه السلام) پرسید: چگونه است که قرآن هرچه خوانده و منتشر می‌شود جز بر تازگی و طراوتش افزوده نمی‌شود؟

حضرت فرمود: «لَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَجْعَلْهُ لِرِّمَانٍ، وَلَا لِنَاسِ دُونَ نَاسٍ، فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ، وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ عَظْمٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ زیرا خداوند آن را برای زمان و مردم خاصی قرار نداده؛ بنابراین در هر عصری نو و پیش هر ملتی تا روز قیامت تازه و شاداب است.<sup>۲</sup>

قرآن کریم، کتابی برای تمام فصول و دوران‌هاست؛ از این‌رو این کتاب مقدس و شریف، تا قیامت باید کتاب زندگی و راهنمای بشریت قرار گیرد و اهتمام

و توجه به آن روزبه‌روز بیش‌تر شود و انس با آن یکی از اولویت‌ها و دغدغه‌های مسلمین باشد و تا آن هنگام که به قرآن توجه، تمسک و از آن پیروی شود، امت اسلامی در امان خواهند بود.

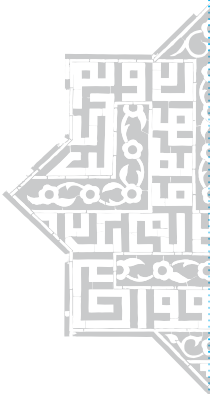
قرآن کتابی جاودانه و ماندگار است؛ لذا بجاست کاری که برای آن صورت می‌گیرد جاودانه و ماندگار باشد و چه کاری بهتر از وقف.

وقف راهی است که می‌تواند تا ابد امتداد یابد و کار خیر و عمل صالح را تا قیامت ماندگار کند؛ از این‌رو می‌توان با وقف برای قرآن و نشر معارف آن، اهتمام و ترویج فرهنگ قرآنی را برای همیشه در کوی و برزن این دیار ثابت و ماندگار کرد. با وقف قرآنی می‌توان، خانه‌ای به وسعت ابدیت بنا نمود تا پناهگاهی باشد برای پناهجویان و چراغ روشنی باشد برای طالبان هدایت.

وقف قرآنی، جاری نمودن چشمه‌ای زلال به سوی این اقیانوس زیبا و بی‌کران است که می‌تواند تشنگان حقیقت را به دریای رحمت الهی وصل کند و چه پاداش و ثوابی نصیب واقف خیراندیش این عرصه می‌شود، تنها خدا می‌داند!

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۸.

۲. بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۱۵.



## ◆ جلاي دل

مسلمانان معتقد، به کعبه عشق می‌ورزند و آن را دوست دارند و آرزوی زیارتش را در سر می‌پروراند و برای ادای احترام و طواف آن، حاضرند مشقت‌های سفر را به دوش کشند و مال قابل توجهی هزینه کنند؛ چراکه خانه حضرت حق و قبله عبادت مسلمین است؛ از این رو اگر گرد و غباری بر آن بنشیند، عاشقانه به غباررویی آن شتافته، خاک آن را توتیای چشم خود می‌کنند.

البته کعبه با تمام بزرگی و زیبایی‌اش، تنها خانه‌ای گلی است که منسوب به پروردگار و سنگ نشانی برای بندگی است که همه مسلمین رو به سوی آن به عبادت برمی‌خیزند؛ خانه‌ی واقعی پروردگار عالم، جای دیگری است. خودش فرمود: «لَا يَسْعُنِي أَرْضِي وَلَا سَمَائِي وَلَكِنْ يَسْعُنِي قَلْبُ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ»<sup>۱</sup> زمین و آسمانم گنجایش مرا ندارند؛ ولی قلب بنده‌ی مؤمن من دارد. آری! جایگاه اصلی خداوند متعال کعبه‌ی دل است نه کعبه‌ی گل. وقتی گنجایش دل مؤمن از هر چیز بیشتر باشد، احترام و حرمت آن نیز به مراتب بالاتر از کعبه‌ی خاکی خواهد بود.

دل، حرم خداست که در وجود انسان به ودیعه گذاشته شده و برای همین است که ما را از دل‌دادگی به غیر حضرت دوست نهی کرده‌اند. دل اگر خانه خدا نشود، اضطراب، افسردگی، وحشت و هزار مشقت و سختی دیگر به سراغش می‌آید؛ چراکه خداوند متعال آرامش و وقار را به دل‌های مؤمن می‌فرستد: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۲</sup> اگر کسی دلش بیمار گردد، بیچاره می‌شود؛ هم نادان و نفهم می‌شود و هم بی‌ایمان؛ زیرا کار قلب از سوئی فهمیدن و ادراک است که انسان می‌تواند با آن حقایق عالم را درک کند و راه را از چاه تشخیص دهد و از سوی دیگر، دل ظرف و قرارگاه ایمان است که اگر معیوب و بیمار باشد، ایمان در آن رسوخ نمی‌کند و در نتیجه، خانه خدا نمی‌شود تا به سعادت و خوش‌بختی برسد. خداوند متعال خودش در قرآن مجید دریافت نکردن حقایق عالم را به وسیله قلب، یکی از دلایل جهنمی شدن دوزخیان ذکر کرده است: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا»؛ و در حقیقت بسیاری از جنیان و آدمیان را [گویی] برای دوزخ آفریده‌ایم؛ [زیرا] دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند.<sup>۳</sup>

۱. عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۷. ۲. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۷۹.

۳. سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۴.



با این وصف باید از کعبه‌ی دل بیش از پیش مراقبت نمود و به نظافت و پاکی آن بیش از هر چیز دیگری اهمیت داد؛ چراکه اگر غبار گناه و تاریکی معصیت روی آن جمع شود، پیدا کردن نور حضرت حق و یافتن راه حقیقت مشکل خواهد شد. پس باید واقعه را قبل از وقوع علاج کرد. وقتی کسی از قلب خود غافل شود و زنگار گناه روی آن تلمبار گردد، دیگر کار مداوای آن قلب سخت و چه بسا ناممکن شود؛ از این رو بایست مراقب بود تا هیچ زنگاری روی دل ننشیند. انسان عاقل خودش را ملزم می‌کند مدام به گردگیری دل بپردازد تا دچار دل‌مردگی و مرگ قلبی نگردد. برای این کار هم باید وسیله‌ای مناسب فراهم آورد. وسیله و راه برطرف کردن زنگار قلب را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان کرده است:

«إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ لَتَصَدُّ كَمَا يَصَدُّ الْحَدِيدُ وَإِنَّ جَلَاءَهَا قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ»؛ براستی این قلب‌ها زنگار می‌گیرد، همان‌طور که آهن زنگار می‌گیرد، همانا جلاي آن قرائت قرآن است.<sup>۱</sup>

قرآن مجید، بهترین نسخه‌ی درمان دل و جان انسان است. تنها نسخه‌ای است که قرائتش هم، در رفع بیماری مؤثر است. زنگار گناه را می‌تراشد و قلب را صیقل می‌دهد تا قابلیت پذیرش نور حق در آن به وجود آید.

پس باید برای طهارت و نظافت کعبه‌ی دل به قرآن پناه برد و زنگار گناه را با عطر روح‌بخش قرآن از این خانه زدود. در این مسیر باید پا را از خود فراتر گذاشت و شمیم دل‌نواز این دارو را به مشام همه مشتاقان بهشت رساند و روزنه‌ای از قلب آنان به سوی رضوان الهی گشود. بایست با تشویق و ترغیب اطرافیان خود، راه پاک کردن دل را فراری آنان قرار داد و این‌گونه آن‌ها را نیز به آسمان بیکران رحمت الهی متصل کرد.

البته بین عاشقان خالق هستی، عده‌ای هستند که خادمی خانه خدا را بالاترین افتخار خود دانسته به آن مباحثات می‌کنند؛ از این رو برای جلا دادن قلوب بندگان خدا، که خانه راستین پروردگار است، دست به کاری ماندگار و ابدی زده، درمانگاه ویژه‌ای برای جلاي قلب‌ها ایجاد می‌کنند. شاهره‌ی وقف برای قرائت قرآن را انتخاب می‌نمایند تا این‌گونه اسباب جلاي کعبه دل را تا قیامت مهیا کنند. با این عمل خیرشان، پاداش عجیبی نصیب خود می‌کنند؛ چراکه هرگاه به واسطه‌ی وقف آنان، در مکان و زمانی آیه و سوره‌ای از قرآن قرائت شود، درواقع، این واقف خیراندیش است که به مصفا کردن خانه‌ی خدا پرداخته و این‌گونه در گوشه‌ای از زمان آماده ایستاده است تا با وقف خود غبار از قلوب مؤمنان پاک کند.

۱. ارشاد القلوب، ص ۷۸.



## ◆ تا ابد معلم قرآن می‌شوید!

مؤمن زنگ و باهوش است. با ذکاوتی که دارد، سرمایه‌اش را طوری خرج می‌کند که بیش‌ترین سود را ببرد. در مزرعه دنیا، بذری می‌کارد که بیش‌ترین محصول و سود را برایش داشته باشد.

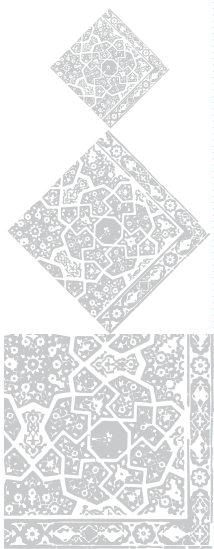
یکی از کارهایی که سود و محصول آن فراوان است و می‌تواند تا قیامت نیز ادامه داشته باشد، وقف است. وقف عمل صالحی است که حتی پس از مرگ واقف نیز جریان دارد و پرونده‌ی اعمال صالح او را مفتوح نگه داشته، او را از پاداش الهی بهره‌مند می‌سازد. وقف، قالبی است که هر نیت صالحی در آن ریخته شود، قامتی همیشگی می‌یابد و ماندگاری را برای آن به ارمغان خواهد آورد.

اکنون که معلوم شد وقف یکی از بهترین کارهاست، این سؤال مطرح می‌شود که برای چه چیز و به چه انگیزه‌ای وقف شود؟ از این رو بایست زیرکانه بررسی کرد تا بهترین شکل و نیت را برای این عمل الهی پیدا نمود. بین نیات صالحی که می‌توان برای آن وقف نمود، وقف برای آموزش قرآن کریم و ترویج فرهنگ و معارف آن، یکی از بهترین وقف‌ها و کارهاست؛ قدر و منزلت قرآن چنان رفیع است که رسول خدا ﷺ فرمود: «الْقُرْآنُ أَفْضَلُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ دُونَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛ قرآن افضل از هر چیز است جز ذات اقدس الهی.<sup>۱</sup> وقتی قرآن مجید بعد از وجود خداوند ارزشمندترین است، وقفی نیز که برای نشر معارف آن صورت می‌گیرد ارزشمندترین کارها محسوب می‌شود.

پرداختن به قرآن کریم چنان ارزشمند است که حتی قرائت این مصحف آسمانی، که نخستین گام در بهره‌برداری از اقیانوس معارف آن به‌شمار

می‌رود، از برترین کارهاست. پیامبر خاتم ﷺ فرمود: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ»؛ بهترین عبادت، قرائت قرآن است.<sup>۱</sup> با این بیان، وقتی قرائت قرآن بهترین عبادت است، آموزش و تعلیم قرآن نیز از بهترین عبادت‌ها محسوب می‌شود و پاداش فراوانی را نصیب معلم قرآن می‌کند. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «مَنْ عَلَّمَ آيَةً فِي كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى، كَانَ لَهُ أَجْرُهَا مَا تَلَيْتَ»؛ کسی که آیه‌ای از قرآن را به دیگری یاد بدهد، اجر تلاوت آن (آیه) برای او است مادامی که تلاوت شود.<sup>۲</sup>

اکنون تصور کنید کسی برای قرائت و آموزش قرآن کریم وقف کند، از سویی تا هنگامی که موقوفه‌ی او پابرجاست، در حال انجام بهترین عبادت است و نامش در زمره‌ی عبادت‌کنندگان پروردگار عالم ثبت می‌شود، از سوی دیگر، هرکس به واسطه‌ی وقف او، قرآن را یاد بگیرد، هر آیه‌ای که تلاوت می‌کند واقف در ثواب آن شریک خواهد بود. پاداش واقف به این جا ختم نمی‌شود. اگر کسانی که به واسطه‌ی وقف آن واقف خیراندیش، معلم قرآن شوند و دیگران را با قرآن آشنا کنند، واقف در پاداش تمام قرآن‌آموزان و کسانی که به نوعی حتی با چند واسطه قرآن را یاد گرفته‌اند، شریک خواهد بود و این‌گونه مدام در حال انجام بهترین عبادت خواهد بود.



## ◆ سرور نیکوکاران

خداوند مهربان، برای والدین سنگ تمام گذاشته و خیلی تحویل‌شان گرفته است تا جایی که احسان و نیکی کردن به آن‌ها را پس از پذیرش خداوندی خودش قرار داده است. خدا، نه در یک آیه، بلکه در چند جای قرآن احسان به والدین را بعد از خداپرستی آورده است: «وَقَصَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِنَاءَهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»؛ خدای تو حکم فرموده جز او هیچ‌کس را نپرستید و به پدر و مادر خود احسان کنید.<sup>۱</sup>

خدمت به والدین خیلی اهمیت دارد تا جایی که رسول خدا ﷺ فرمود: نیکی و احسان به پدر و مادر از نماز و روزه و حج و عمره و جهاد در راه خدا افضل و برتر و ثوابش بیش‌تر است.<sup>۲</sup>

تصور کنید والدین کسی به مسافرت بروند، در آن‌جا دست‌شان خالی شود و به پول و احسان فرزندشان نیاز پیدا کنند، این جاست که کمک و احسان نمودن فرزند واجب‌تر و اهمیت بیش‌تری پیدا می‌کند.

وظیفه‌ی انسان نسبت به پدر و مادر با مرگ‌شان پایان نمی‌پذیرد؛ زیرا مرگ نیستی و نابودی نیست که وظیفه‌ی انسان هم نسبت به والدینش پایان پذیرد، بلکه آنان از شهری به شهر و منزل دیگری قدم گذاشته‌اند و در جهان برزخ به سر می‌برند. آن‌ها بعد از مرگ، هر لحظه چشم‌انتظار حسنه و کار نیکی از طرف فرزندان‌شان هستند. در آن‌جا، بیش از هر زمان و مکانی، به خیرات فرزندان نیاز دارند؛ از این‌رو فرزندان باید برای‌شان احسان کنند و توشه بفرستند.

اگر کسی این وظیفه‌اش را به خوبی انجام دهد پاداش بزرگی نصیبش می‌شود. پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: «در روز قیامت سرور نیکوکاران

کسی است که پس از مرگ پدر و مادر نیز به آن‌ها نیکی کرده باشد».<sup>۱</sup>

احسان بعد از مرگ والدین، یک نوع جبران کم‌کاری‌های فرزندان است. کسی که در زمان حیات آنان نتوانسته کار شایسته و قابل‌توجه‌ای برای آنان انجام دهد، حتی اگر مورد غضب و عاق آن‌ها هم قرار گرفته باشد، می‌تواند رضایت آن‌ها را به این وسیله به دست آورد.

قرائت قرآن یکی از بهترین کارهاست که می‌توان برای والدین انجام داد که تأثیر بسیار زیادی دارد و حتی باعث دگرگونی احوال والدین در برزخ می‌شود. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ فِي الْمَصْحَفِ تُخَفِّفُ الْعَذَابَ عَنِ الْوَالِدَيْنِ وَ لَوْ كَانَا كَافِرَيْنِ»<sup>۲</sup> خواندن قرآن از روی آن، عذاب را از والدین سبک می‌سازد؛ اگرچه آن دو کافر باشند.

اکنون که معلوم شد قرائت قرآن چه تأثیر شگرفی بعد از مرگ والدین دارد، باید این‌کار را برای آن‌ها دائمی و همیشگی نمود و چه کاری بهتر از وقف!

وقف برای قرائت قرآن به نیابت از والدین، احسانی ماندگار است. احسانی است که از درایت و زرنگی سرچشمه می‌گیرد و می‌تواند خوبی به والدین را ابدی و تا قیامت رابطه‌ای از سر احسان بین فرزندان و والدین‌شان برقرار کند. وقف قرآنی برای والدین یک محبت ابدی و یک ارادت همیشگی به آن‌هاست.

با چنین وقفی می‌توان کاری کرد که علاوه بر زنده ماندن نام و یاد والدین، تا قیامت چشمه‌ای از حسنات و خیرات به برزخ آن‌ها جاری شود و وضع و حال آن‌ها را هر لحظه بهتر کند و جایگاه‌شان را بالاتر ببرد.

فرزندانی که والدین‌شان رخت از دنیا بر بسته‌اند می‌توانند همگی جمع شوند و به پاس خوبی‌ها و زحماتی که آن‌ها برای فرزندان‌شان کشیده‌اند، ملکی را برای قرائت قرآن، وقف نمایند تا والدین‌شان به واسطه‌ی آن وقف از خیرات و حسنات قرآنی فرزندان خود، تا قیامت برخوردار شوند.

۱. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۸۴.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۳.

## ◆ زینتِ قرآن

انسان هر چیز را که دوست داشته باشد، آن را تزئین می‌کند تا زیبا جلوه دهد. برایش وقت می‌گذارد و از مالش نیز هزینه می‌کند. هم خودش از تزئین محبوبش لذت می‌برد و هم کاری می‌کند دیگران از آن لذت ببرند. بین تمام دوست‌داشتنی‌ها، قرآن مجید یکی از آن بهترین‌هاست که سزاوار است مورد توجه، محبت و دوستی مسلمانان قرار گیرد؛ چراکه کلام خالق هستی، برترین سخن، راست‌ترین گفتار و رساترین پندها، بهار دل‌ها و چشمه‌های دانش است. پیمان خداوند با بندگانش و منبع علم اولین و آخرین است. اما چگونه می‌توان قرآن محبوب و دوست‌داشتنی را زینت داد و این‌گونه علاقه و محبت خود را به آن ابراز نمود؟ پیامبر رحمت ﷺ می‌فرماید:

«لِكُلِّ شَيْءٍ جَلِيْبَةٌ وَ جَلِيْبَةُ الْقُرْآنِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ»؛ هر چیز را زیور و زیور قرآن صدای خوش است<sup>۱</sup>.

زیبا خواندن قرآن مجید، زدودن گرد و خاک از ظاهر قرآن است؛ چراکه صوت و لحن زیبا، شنیدن این کلام الهی را دل‌نشین‌تر نموده، بر جذابیت استماع آن می‌افزاید.

اکنون که دانستیم زینت و زیور قرآن مجید چیست، هرکه دل در گرو قرآن دارد بایست برای داشتن صدای خوش و تمرین زیبا قرائت کردن این کتاب شریف، برنامه‌ریزی کند و از جان و مال خود مایه گذاشته، آموختن صحیح و زیبا خواندن این مصحف آسمانی را در اولویت کارهای خود قرار دهد. بنابراین کلاس‌های آموزش قرائت قرآن یکی از بهترین کلاس‌ها و دانشجویی در این مسیر یکی از مقدس‌ترین کارهاست؛ از این رو، لازم است به جلسات، کلاس‌ها و برنامه‌های قرآنی بیش از پیش اهمیت داد و برای حضور و استفاده

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۵.



خود و فرزندان و عزیزان مان برنامه‌ای ویژه داشته باشیم.

برخی به خاطر عشق فراوانی که به قرآن کریم دارند، دوست دارند هرکه قرآن می‌خواند، درست و صحیح و با صوتی خوش و زیبا این کلام الهی را تلاوت کنند؛ برای همین دست به کاری ماندگار زده، اسباب زینت ابدی قرآن را مهیا می‌کنند. این عاشقان قرآن، برای قرائت صحیح و زیبای قرآن مجید وقف نموده، این‌گونه نام خود را در زمره‌ی زینت‌دهندگان همیشگی قرآن قرار می‌دهند.

وقف برای قرائت قرآن شریف، نشانه‌ی عشق و وابستگی به کلام الهی است؛ چراکه عاشق کلام خداوند مهربان، خوش دارد کلام محبوب و معشوقش در همه جا با صدای خوش و لحنی زیبا به گوش همگان برسد.



## ◆ خدا را بزرگ بشماریم!

فضل و احسان خداوند متعال همانند خودش بی‌همتا و بی‌بدیل و سرچشمه تمام خوبی‌های عالم است و هرکس کاری در حق انسان انجام می‌دهد با مدد و عنایت او بوده و این چنین همه‌ی هستی ما از خداست و بی او هیچ هیچیم؛ از این رو باید هوای او را بیش‌تر داشته باشیم و او را بر خود و حتی دیگرانی که پیش ما احترام دارند ترجیح دهیم. هوای خدا را داشتن نیز یعنی، تسلیم دستورات او بودن؛ یعنی مشق و تکلیف آن مهربان‌ترین معلم را، موبه‌مو انجام دادن؛ یعنی انجام واجبات و ترک محرمات.

اما انسان هرچه خدا را بیش‌تر بشناسد، عشق و محبتش هم به او بیش‌تر می‌شود. پای عشق و علاقه هم که به میان بیاید، عاشق سر پا نشناخته، تا آن جا که توان دارد، می‌کوشد کاری انجام دهد که او را به خدای مهربانش نزدیک کند. به هر شکل شده معشوقش را تکریم و احترام می‌کند؛ اما چگونه می‌توان خداوند عالم را احترام نمود و بزرگ شمرد؟ پاسخ را از شهر علم و دانایی پیامبر خدا ﷺ بیاموزیم که فرمود: «فَمَنْ وَقَّرَ الْقُرْآنَ فَقَدَّ وَقَّرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»؛ هرکس قرآن را بزرگ شمارد و تکریم کند، خدا را تکریم کرده و بزرگ شمرده است.<sup>۱</sup> هرکه می‌خواهد خدا را احترام کند، راهش تکریم قرآن است. برای این کار نیز مسلمان باید از سویی خود به آن بپردازد و از سوی دیگر زمینه بزرگ‌داشت آن را برای دیگران مهیا کند. تکریم قرآن یعنی احترام به ظاهر قرآن، تلاوت و تدبر در قرآن، سرلوحه‌ی زندگی خود قرار دادن و عمل به دستورات قرآن.

قرآن کتاب جاودانه است و منحصر به یک زمان نیست؛ برای تمام دوران‌ها و انسان‌هاست؛ پس باید برای خدمت به قرآن، قرآنی عمل نمود. باید کاری جاودانه و ماندگار کرد. باید افق دید را تا ابد توسعه داد؛ اما چگونه ممکن است کسی بتواند تا ابد خادم قرآن شود و در راه ترویج آن کار و تلاش کند؟ پاسخش وقف است.

وقف راهی برای جاودانگی و ماندگاری است. کسی که برای ترویج فرهنگ قرآن وقف می‌کند، خدمت به قرآن را با ابدیت پیوند زده و افتخار خادم قرآن بودن را تا ابد نصیب خود کرده است. وقف برای تکریم قرآن، احترام و تکریم جاودانه و همیشگی خداست. عشق‌بازی مدام با پروردگار مهربان و جلب کردن رحمت بی‌انتهای او تا ابد است؛ پس اندازی برای روزهای سالمندی و تنهایی و پناهگاهی در روز قیامت و سند بهشت و امان‌نامه‌ای از آتش جهنم است.

۱. جامع احادیث شیعه، ج ۱۵، ص ۷.

## ◆ همگانی‌ترین استغفار

بیماری را باید قبل از این که کار از کار بگذرد و درمانش سخت یا ناممکن شود مداوا کرد. بیماری هرچه خطرناک‌تر و عوارض آن بیش‌تر و کشنده‌تر باشد، دارو و درمانش نیز ارزشمندتر می‌گردد. بدترین درد و بیماری گناه است که هم بسیار خطرناک و متعفن و هم، عوارض بسیار زیاد و هلاک‌کننده است. درد گناه، چراغ عقل را کم‌سو و رفته‌رفته خاموش می‌کند تا جایی که صاحبش کوردل شده، نمی‌تواند راه را از چاه تشخیص بدهد.

این بیماری به جان هرکس بیفتد، روزگار خوش را از او می‌گیرد و برایش آرامشی باقی نمی‌گذارد؛ گناه، لنجن‌زار متعفنی است که وقتی کسی گرفتارش شود، هر مقدار هم دلش را به عطر و بوی وسایل زندگی‌اش خوش کند، بازهم نمی‌تواند از زندگی لذت ببرد. مرض گناه چون با فطرت پاک انسان هم‌خوانی ندارد، باعث می‌شود بیماران این درد وحشتناک، روزه‌روز حال‌شان وخیم‌تر شود و در تضاد میان زلالی فطرت و لجن‌زار متعفن گناه، سلامت روحی و روانی خود را نیز از دست دهند. البته این تنها آثار سوء دنیایی این بیماری است. این درد گریبانگیر هرکس شود، رهایش نمی‌کند و آخرتش را هم خراب و او را گرفتار عذاب‌ها و سختی‌های طاقت‌فرسای آخرت می‌کند. گرفتاری‌های آن دنیا هم که با سختی‌های این دنیا اصلاً قابل قیاس نیستند و به مراتب سخت‌تر و سنگین‌تر است؛ به همین دلیل باید از این درد به خدا پناه بُرد و برای درمان آن عجله کرد و بهترین دارو و درمان را برای آن به کار گرفت. نسخه‌ی علاج این درد را نیز طبیب دل‌ها، پیامبر رحمت ﷺ برای بشریت پیچیده است:

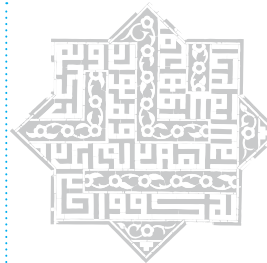
«لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ وَ دَوَاءُ الذُّنُوبِ الْإِسْتِغْفَارُ»؛ هر مرضی، دارویی دارد و داروی گناهان، استغفار و طلب عفو از پیشگاه ذات پاک الهی است.<sup>۱</sup>

استغفار و طلب آمرزش، ابر رحمتی است که بر سر هرکس ببارد هم گناهانش را پاک می‌کند و هم نشاط و سرزندگی را برای او به ارمغان می‌آورد؛ از این رو همه به آن نیازمندند. استغفار، دارویی است که هم آثار مخرب گناه را در زندگی دنیایی انسان و هم عواقب و عوارض آخری آن را نابود می‌کند.

پس باید از دیگران هم طلب یاری نمود. باید کاری کرد که دیگران هم برای انسان طلب آمرزش نمایند؛ چراکه طلب

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۶۸.





استغفار دیگران، به هدف اجابت نزدیک تر است و در نتیجه امید به عفو و بخشش نیز بیش تر می گردد؛ اما چگونه می توان طلب آموزش دیگران را به سوی خود جلب کرد؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله راهی فراگیر و همگانی را بیان کرده است:

«مُعَلِّمُ الْقُرْآنِ يَسْتَغْفِرُ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ حَتَّى الْحَوْتِ فِي الْبَحْرِ»؛ برای معلم قرآن تمام موجودات حتی ماهی دریا، طلب آموزش می کنند.<sup>۱</sup>

آموزش و یاد دادن قرآن کریم، آن قدر فضیلت و ارزش دارد که تمام موجودات عالم برای انسان طلب استغفار می کنند. حال که معلم کلام خدا بودن این قدر ارزشمند است، باید فرصت را غنیمت شمرد و از این موقعیت بیش ترین استفاده را نمود. معلمی که تنها به شغل و عنوان نیست، هر کس می تواند معلم قرآن شود و از این استغفار همگانی بهره برد.

در گام نخست بایست معلم خود شده، قرآن را بیاموزیم. یاد دادن قرآن به فرزندان و اطرافیان یکی از راه های معلمی قرآن است. گفتن نکته ها، داستان ها و قصص قرآنی، عبرت ها و پندهای قرآن میان جمع های دوستان و بستگان و میان صحبت های صمیمی با دیگران، راهی برای معلمی قرآن است.

برعهده گرفتن هزینه برگزاری جلسات آموزشی قرآن مجید، برگزاری مجالس قرآن کریم در خانه و منزل خود، متقبل شدن هزینه قرآن آموزی دیگران نیز یکی از راهکارهای معلمی قرآن است. تهیه وسایل و امکانات مورد نیاز آموزش کلام الله مجید، تشویق نمودن دیگران و تهیه ابزار تشویقی و جایزه های قرآنی نیز می توانند وسیله ای برای معلم قرآن شدن برخی

دیگر شود.

اما بین مؤمنان، کسانی هستند که افتخار معلم قرآن بودن را بسیار دوست دارند و دل شان می خواهد این عنوان و منصب را برای همیشه داشته باشند؛ برای همین دست به کاری ماندگار می زنند. راه وقف برای آموزش و ترویج فرهنگ قرآن را پیش گرفته، این گونه نام خود را برای همیشه، در زمره مربیان قرآنی ثبت می کنند. وقف برای قرآن کریم، کلاسی دائمی است که معلم مهربان این کلاس، واقف خیراندیش است؛ معلمی که بازنشستگی در کارش نیست و برای همیشه افتخار این مقام را خواهد داشت. وقف خود عامل ماندگاری نیت خیر و اعمال صالح است، پس هر کس خدمت قرآنی خود را با این سنت حسنه پیوند زند ماندگار می شود. وقف برای قرآن، پاداش عجیبی دارد؛ زیرا کسی که از دارایی خود برای آموزش، ترویج و اعتلای کلام خداوند بگذرد و وقف کند، خداوند مهر و محبتش را به دل تمام هستی می اندازد و باعث می شود تمام موجودات عالم تا قیامت برای او طلب رحمت و مغفرت نموده، این گونه او را با رحمت الهی پیوند زنند. با وقف برای آموزش و ترویج فرهنگ قرآنی، هم می توان کلاس های آموزشی فراوانی را برای تعلیم قرآن مجید دائر نمود و هم، هزینه ی قرآن آموزی و قرآن پژوهی افراد زیادی را برعهده گرفت. وقف قرآنی، هم می تواند جلسات قرآنی را پشتیبانی و برگزار نماید و هم، در تهیه ابزار و وسایل آموزشی قرآن کریم و بسته های تشویقی این راه، نقش پررنگی را ایفا کند.



## ◆ سپر آتش

وقتی شعله‌های آتش هجوم می‌آورد، هیچ‌کس به تماشا نمی‌ایستد. اگر نتوانند آن را مهار کنند، حتما فرار می‌کنند؛ اما وقتی راه فرار وجود نداشته باشد باید به دیوار و سپری پناه برد. آن‌جاست که انسان حیران و مضطرب به دنبال پناهگاهی می‌گردد. یافتن سپری که او را در مقابل خطر سوختن در آتش نگه دارد، آن‌قدر ارزشمند است که حاضر می‌شود تمام دارایی خود را نثار کند.

آتش دنیا هرچه باشد در مقابل آتش جهنم بسیار ناچیز است. آتشی که در جهنم برافروخته می‌شود آن‌قدر سوزان است که اگر کسی را از آن‌جا بیرون بیاورند و در یکی از سوزاننده‌ترین آتش‌های دنیا بیندازند، خوابش خواهد برد. آتش‌های دنیا با تمام بزرگی‌شان یک جزء از هفتاد جزء آتش جهنم هستند.

سوختن در دنیا به مراتب از سوختن در آخرت ضعیف‌تر است. در این دنیا ادراک انسان ضعیف است؛ ولی در آخرت ادراک انسان به کمال نهای خود می‌رسد؛ از این‌رو سوزش بیش‌تری احساس می‌کند. در این دنیا پس از رسیدن سوزش به استخوان احساس سوزش کم می‌شود، ولی در جهنم خداوند مجدداً گوشت تازه می‌رویاند و از تخفیف عذاب جلوگیری می‌کند.

شدت حرارت آتش جهنم آن‌قدر زیاد است که گرفتاران در آن، حاضر می‌شوند برای یک لحظه خلاصی از آن، عزیزان خود، همان‌ها که در دنیا زندگی خود را برای‌شان فدا می‌کردند، زیر پای خود اندازند، یا سپر بلای خود کنند.

خداوند متعال آن‌قدر مهربان، رئوف و حکیم است که فکر آن‌جا را هم کرده است. برای این‌که بندگان از آتش سوزان آن‌جا در امان باشند، پناهگاه‌هایی قرار داده است که هرکس به آن‌ها پناه برد نجات می‌یابد.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«يَا سَلْمَانَ عَلَيْكَ بِقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ؛ فَإِنَّ قِرَاءَتَهُ كَفَّارَةٌ لِلذُّنُوبِ وَ سِتْرَةٌ مِنَ النَّارِ وَ أَمَانٌ مِنَ الْعَذَابِ»؛ ای سلمان! بر تو باد خواندن قرآن؛ زیرا قرآن خواندن کفاره گناهان و سپری در مقابل آتش و بازدارنده از عذاب است.<sup>۱</sup>

خداوند متعال که خالق و پروردگار عالم است، انسان را برای سعادت و خوش‌بختی به وجود آورده نه برای هلاکت و گرفتار شدن در عذاب. گاه انسان آلوده‌ی گناهی می‌شود که لازمه و اقتضای آن گناهان، عذاب و آتش است؛

۱. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۱۷.

اما رحمت الهی، حتی بندگان گنه‌کار را هم فراموش نکرده و قرائت قرآن را کفاره گناهان‌شان قرار داده تا آثار گناه را از بین ببرد و سپری باشد برای مقابله با آتش سوزان جهنم و دیگر این‌که، در پناه قرآن از عذاب سخت‌خوری در امان باشند.

البته معلوم نیست وقتی از دنیا به سوی سرای آخرت هجرت می‌کنیم در چه حال و وضعی هستیم و اعمال صالح و خوب ما تا چه اندازه می‌تواند دست ما را گرفته، ما را از سختی‌های برزخ نجات دهد، طبیعی است که هر عاقلی فکری برای آن روزها می‌کند. بهترین کار این است که راه و روزنه‌ای بین برزخ و دنیای خود باز بگذاریم تا از دنیا برای برزخ خود توشه برداریم؛ راه این کار هم وقف است. وقف راهی است برای ارتباط همیشگی با دنیا؛ چراکه پس از مرگ پرونده‌ی اعمال انسان بسته می‌شود جز در سه مورد که یکی از آن‌ها وقف است.

از این‌رو می‌توان با وقف برای قرائت و تلاوت قرآن، راهی همیشگی برای پناه بردن به این کتاب آسمانی پیش روی خود گشود تا حتی پس از مرگ نیز از پاداش و آثار قرائت قرآن بهره برد. وقف قرآنی، در واقع ساختن کارخانه‌ای است که از سویی کفاره‌ی گناهان است و آن‌ها را به حسنات تبدیل می‌کند و از سوی دیگر، برای واقف خیراندیش، سپر و پناهگاهی تولید می‌کند تا او را از آتش و عذاب الهی در امان دارد.





## ◆ بخوان و بالا برو!

روز قیامت که روز حسابرسی و جزای اعمال است، به هرکس به اندازه‌ی اعمال صالحی که انجام داده و آنچه با خود آورده، پاداش می‌دهند. آن‌جا هرکس در گرو اعمال خودش است. هرکس هرچه در مزرعه‌ی دنیا کاشته باشد، درو می‌کند. شفاعت اولیای الهی و ارفاق خدا هم به داد خیلی‌ها رسیده، دست‌شان را می‌گیرد و نجات‌شان می‌دهد؛ اما باید توجه کرد که بهشت مراتب و درجاتی دارد. انسان، بهشت هم که می‌خواهد برود، درست و درمان برود. پیروان امت رسول خدا ﷺ نباید کوتاه‌نظری کنند و به درجات پایین آن قانع شوند. بایست بلند همت باشند و درجات بالای بهشت را نشانه‌گیری کنند. رسول خدا ﷺ فرمود: «اتَّقُوا اللَّهَ مَعَاشِرَ الشَّيْعَةِ، فَإِنَّ الْجَنَّةَ لَنْ تَمُوتَكُمْ وَإِنْ أَبْطَأَتْ بِكُمْ عَنْهَا قَبَائِحُ أَعْمَالِكُمْ، فَتَنَاقَسُوا فِي دَرَجَاتِهَا!»؛ ای گروه شیعیان! از خداوند بترسید، بهشت از دست شما نمی‌رود اگرچه گناهان شما موجب شود که شما از آن ورود در آن تأخیر داشته باشید، اکنون برای به دست آوردن درجات بهشت با هم مسابقه دهید.<sup>۱</sup>

در قیامت وقتی درجات بهشت را به نمایش می‌گذارند، آن‌جاست که دیگر آتش اشتیاق رسیدن به جایگاه‌های بالای آن، دل‌ها را شعله‌ور می‌کند و آرزو می‌کنند ای کاش بتوانند در طبقات بالای بهشت منزل و مأوا کنند. خیلی سخت است کسی را در منزل اول جا دهند درحالی‌که اولیای الهی در درجات بسیار بالاتری قرار دارند و او نتواند حتی آن‌ها را از دور زیارت کند. آن‌جاست که هر عاشقی سعی می‌کند تا حداقل بتواند طبقه‌ای بالاتر رود و منزلی به منزل محبوبانش نزدیک‌تر شود؛ اما چه سود که سرمایه‌اش تا آن‌جا کفاف داده و بالاتر از آن نمی‌تواند برود. در آن روز حسرت عده‌ای خاص می‌توانند پا را فراتر بگذارند؛ آزمون‌ی بدهند و جواز رفتن به مراتب بالاتر را کسب کنند. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«عَدَدُ دَرَجِ الْجَنَّةِ عَدَدُ آيِ الْقُرْآنِ، فَإِذَا دَخَلَ صَاحِبُ الْقُرْآنِ الْجَنَّةَ قِيلَ لَهُ أَفْرَأُ وَ إِرْقُ، لِكُلِّ آيَةٍ دَرَجَةٌ فَلَا تَكُونُ فَوْقَ حَافِظِ الْقُرْآنِ دَرَجَةٌ»؛ تعداد درجات بهشت به تعداد آیه‌های قرآن است، هنگامی‌که اهل قرآن وارد بهشت شود به او گفته می‌شود قرآن بخوان و بالا برو؛ بنابراین بالاترین درجه از آن حافظان قرآن است.<sup>۱</sup>



اکنون هرکه می‌خواهد در قیامت درجات بهشت را درنوردد و خود را به بالاترین مراتب آن رسانده، از همسایگان و هم‌جواران اولیای الهی محسوب شود، بشتابد به سوی اُنس با قرآن.

خاصیت قرآنت و حفظ قرآن این است که با جان و دل قاری و حافظ عجیب می‌شود و در قیامت همراه او است و او را تنها نمی‌گذارد و او را برای رسیدن به درجات بهشت یاری می‌کند.

البته برخی مؤمنان که لذت اُنس با قرآن را چشیده و دستگیری قرآن را در قیامت باور نموده‌اند، دنبال راهی می‌روند تا ارتباط خود را با قرآن محکم‌تر و در نتیجه دستگیری قرآن را نیز بیش‌تر کنند.

خداجویان خیراندیش، راه وقف برای قرآن را برمی‌گزینند که راهی ماندگار و همیشگی است. با وقف برای قرائت و حفظ قرآن، خود را برای همیشه در صف قاریان و حافظان کلام خداوند قرار می‌دهند و این‌گونه، وسیله‌ای برای صعود به مراتب بالای بهشت برای خود مهیا می‌کنند.

وقف برای قرآن، نردبان عروج به بهشت بهشت است. وقف برای قرآن، شاهراه هدایت و سعادت است که واقف در این شاهراه، در کالبد دیگران مسیر سعادت را طی کرده و مشغول به قرائت، حفظ و اُنس با قرآن است. امام باقر (علیه السلام) فرمود: «مَنْ عَلَّمَ بَابَ هُدَى فَلَهُ مِثْلُ أُجْرٍ مَنْ عَمِلَ بِهِ، وَلَا يَنْقُصُ أَوْلِيكَ مِنْ أَجُورِهِمْ»؛ هرکس راه هدایت و سعادت را بگشاید یا به دیگران تعلیم دهد، اجر و پاداش او همانند کسی است که به آن کار خیر عمل کرده باشد، بدون آن‌که از پاداش عمل‌کنندگان کسر شود.<sup>۱</sup>

۱. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۴۳۶.



۱. بحارالانوار، ج ۱، ص ۳۷۸.

۲. بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۲۲.

## ◆ بهترین وقف قرآنی

قرائت، حفظ، روخوانی و آموزش قرآن کریم پادشاهای فراوان و تأثیر شگرفی در دنیا و آخرت انسان دارد. آرامش روحی و روانی، هدایت به سوی حق، از بین رفتن زنگار دل و نورانی شدن قلب، زندگی سعادت‌مندانه، مرگ باشهادت، فراری دادن شیطان، حضور ملائکه، سنگین شدن پرونده اعمال در میزان، رستگاری در قیامت، از بین رفتن کوردلی، اهل و هم‌سخن شدن با خدا، زیاد شدن برکت، نورانی شدن خانه و کاشانه و... از آثار قرائت و انس با قرآن کریم است.

البته در تحقق این آثار جای هیچ شک و شبهه‌ای نیست تا جایی که حتی نگاه کردن و نظر انداختن به صفحات قرآن هم عبادت شمرده شده است؛ اما برای دستیابی کامل به این نتایج گران‌سنگ، شرط مهم‌تری وجود دارد که امیرمؤمنان علی (علیه السلام) آن را این‌گونه بیان می‌کنند:

«أَلَا خَيْرٌ فِي قِرَاءَةِ لَيْسَ فِيهَا تَدْبِيرٌ»؛ بدانید! قرائتی که با تدبیر همراه نباشد، خیری در آن نیست.<sup>۱</sup>

تدبیر و تفکر، لازمه دستیابی کامل به آثار و دستاوردهای قرائت، نظرانداختن و تعلیم و تعلم قرآن کریم است و کسی که در قرآن تدبیر و تفکر نکند، آنچه از قرآن کریم نصیبش می‌شود، در مقابل آنچه می‌بایست به دست می‌آورد، چیزی به حساب نمی‌آید و از این‌روی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمودند خیری در آن نیست. وقتی تدبیر در قرآن کریم تا این حد اهمیت و ارزش دارد، وقف برای آن نیز به همان میزان از ارزش و اهمیت برخوردار است.

وقفی که نتیجه‌ی آن، رهنمون ساختن مسلمین به سوی تدبیر در کلام‌الله مجید و فهم معارف این کتاب آسمانی باشد، جایگاهی ویژه بین وقف‌های قرآنی خواهد داشت؛ پس هرکس برای تدبیر و تفکر در قرآن مجید وقف کند، کاری بسیار ارزشمند و مهم انجام داده است. با این حساب هرکس با وقف خود بتواند نیروی تدبیر در قرآن، تفکر در آیات الهی و فهم معارف عمیق این کتاب الهی را در دیگران برانگیزاند و مؤمنان را به این سمت سوق دهد، یکی از بهترین و ضروری‌ترین وقف‌ها را انجام داده و در زمره‌ی کسانی قرار می‌گیرد که بیش‌ترین خدمت را به این کتاب مقدس نموده‌اند، ان‌شاء‌الله.



حرف آخر

۱. بحارالأنوار، ج ۱۰، ص ۳۴۸.



خاتمه

۵۳

## ◆ پیشنهادهایی برای وقف قرآنی

اکنون که با اهمیت و فضیلت وقف برای قرآن کریم آشنا شدیم، هرکس دل در گرو قرآن دارد و می‌خواهد برای این کتاب جاودان، کاری ماندگار انجام دهد، بسم الله؛ بیاید و برای یک یا چند موضوع از این موضوعات پیشنهادی وقف کند و بین خود و قرآن رابطه‌ای همیشگی برقرار نماید:

- ◆ برگزاری مراسم قرائت قرآن
- ◆ ختم قرآن
- ◆ آموزش قرائت، روخوانی، روان‌خوانی و تجوید قرآن کریم
- ◆ ترویج معارف قرآنی
- ◆ حمایت از مؤسسات قرآنی
- ◆ ترویج فرهنگ قرآن در قالب‌های جدید
- ◆ توسعه‌ی فعالیت‌های قرآنی
- ◆ تربیت مربی قرآن
- ◆ تشویق کودکان و نوجوانان به یادگیری قرآن کریم
- ◆ حفظ قرآن کریم
- ◆ برگزاری مسابقات قرآنی
- ◆ چاپ و تولید کتب و محصولات قرآنی
- ◆ تربیت مفسر قرآن
- ◆ برگزاری جلسات تفسیر قرآن
- ◆ اهدای قرآن مجید
- ◆ تهیه‌ی جایزه برای قاریان و حافظان
- ◆ حمایت و تولید کتب علوم قرآنی



۵۲



## شرح و بیان وقف تعریف و اصطلاحات وقف

### تعریف وقف

وقف در لغت به معنای «ایستادن»، «ساکن کردن» و «حبس کردن» و در اصطلاح فقهی قرارداد و عقدی است که سبب حبس و نگاهداری اصل مال از نقل و انتقالات تجاری و انتشار و توزیع منافع آن می‌شود؛ مثل این که کسی زمینی را برای مسجد، حسینیه، مدرسه یا فقرا وقف کند.

### ارکان وقف:

**واقف:** کسی که با عقد وقف، مال خود را برای امور خیر، هدیه می‌کند.

**موقوف یا موقوفه:** مالی که توسط واقف در امور خیر اهدا شده است.

**موقوف علیه:** شخص یا اشخاصی که با عقد وقف، موقوف به آن‌ها تعلق می‌گیرد.

**عقد وقف:** قراردادی که سبب خروج مال موقوفه از ملک واقف و منع آن از انتقالات تجاری و صرف منافع آن برای موقوف علیه می‌شود.

بنابراین، مال موقوفه برای همیشه از تملک خصوصی واقف خارج می‌شود و او و دیگران نمی‌توانند آن را ببخشند یا بفروشند و کسی هم از آن ملک ارث نمی‌برد.

### وقف بر دو قسم است:

۱. **وقف خاص:** وقفی که موقوف علیه آن افراد معین و مشخص باشد؛ مثل آن که شخصی چیزی را برای اولاد خود وقف کند.

۲. **وقف عام:** وقفی که به افراد خاصی اختصاص ندارد. با عنوان عام مثل فقرا و ایتم یا با مصلحت عام و امور عام‌المنفعه به عموم مردم تعلق می‌گیرد؛ مانند آن که چیزی برای مسجد، حسینیه، مدرسه یا فقرا وقف شود.

### از نظر شیوهی بهره‌برداری موقوفات نیز وقف به دو قسم تقسیم می‌شود:

**وقف انتفاع:** وقفی که از عین موقوف در امور مورد نظر استفاده می‌شود؛ مثلاً شخصی منزلش را وقف می‌کند تا به عنوان حسینیه از آن استفاده شود.

**وقف منفعت:** وقفی که عین موقوف مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، بلکه منافع آن در اموری که واقف تعیین نموده است هزینه می‌شود؛ مثلاً شخصی ساختمان یا باغی را وقف کند تا متولی درآمد آن را صرف ایتم و فقرا نماید. موقوفات متصرفی و غیرمتصرفی: در مقررات اوقاف، آن دسته از موقوفاتی که توسط متولیان اداره می‌شود غیرمتصرفی و موقوفاتی را که ادارات اوقاف به قائم‌مقامی متولی اداره می‌کنند متصرفی می‌نامند.

## احکام و شرایط وقف:

### شرایط واقف:

۱. بالغ باشد ۲. عاقل باشد ۳. مختار باشد ۴. محجور نباشد و بتواند در اموالش تصرف کند.

### شرایط موقوف:

۱. عین باشد.
- بنابراین باید قابل رویت و مشخص باشد.
۲. مملوک باشد.
- بنابراین بایدقابل ملکیت ودر ملک واقف باشد.
۳. به سبب انتفاع از بین نرود.
- یعنی انتفاع از آن سبب نقصان و از بین رفتن آن نباشد؛ مثل غذا و میوه.
۴. قابل اقباض باشد.
- موقوف باید به گونه‌ای باشد که موقوف علیه بتواند آن را در اختیار بگیرد.

### ◆ شرایط موقوف علیه:

۱. موجود باشد؛
۲. معین باشد؛
۳. تملک او صحیح باشد.

### ◆ شروط وقف:

۱. دوام داشته باشد.
- مدت وقف نامحدود است؛ لذا نمی‌توان ملکی را برای مدت معینی وقف کرد.
۲. منجز باشد.
- اگر واقف تحقق وقف را منوط به حصول شرط یا صفتی کند وقف باطل است؛ بنابراین ابتدای زمان وقف باید به زمان اجرای عقد وقف متصل باشد.
۳. با قبض موقوف توسط موقوف علیه همراه باشد.
- بعد از این‌که صیغه وقف جاری شد، مادامی‌که موقوف از طرف واقف و با اجازه او در اختیار موقوف علیه قرار نگیرد، وقف کأن لم یکن تلقی می‌شود و اثری نخواهد داشت.
۴. واقف جزء موقوف علیه نباشد.
- واقف نمی‌تواند مالی را بر خودش به تنهایی یا بر خودش و دیگران به صورت مشارکتی وقف کند.
۵. با صیغه اجرا شود.
- عربی گفتن صیغه وقف لازم نیست؛ ولی باید در بیان وقف، رسا و صریح باشد.
- هنگامی‌که صیغه وقف جاری شد و موقوف به موقوف علیه سپرده شد، واقف نمی‌تواند رجوع کند و موقوف را استرداد کند.

